

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران بمناسبت اول ماه مه
با پرچم سوسیالیسم به جنگ نظام بیمار
و نکبت زده سرمایه داری برویم!

صفحه ۱۶



اصغر کریمی: جمهوری اسلامی و شورش ۳۰ میلیون گرسنه

صفحه ۳

پلاتفرم فعالیت حزب در دوره بحران کرونا

توضیح: این پلاتفرم خطوط فعالیت حزب کمونیست کارگری ایران در دوره کرونا را بیان میکند و مضمون آن از ابتدای شروع بحران کرونا محور فعالیت نهادها و ارگانهای حزبی بوده است. تدوین و انتشار علنی آن را در جهت تقویت و گسترش جنبش اجتماعی رادیکال علیه کرونا و افشای حکومت اسلامی در بطن این بحران مفید و ضروری دانستیم. «هیئت اجرایی حزب»

صفحه ۴

اعدام یک زندانی سیاسی با همدستی حکومت اقلیم و جمهوری اسلامی
گفتگو با نسان نودینیان دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

صفحه ۵

شهلا دانشفر: کرونا: کمبود پرستار و اخراج پرستاران!

صفحه ۶

محسن ابراهیمی: "فاصله گذاری هوشمند"
فرش قرمز پهن کردن زیر پای کرونا است!

صفحه ۷

کاظم نیکخواه: پناهندگان مظلومترین قربانیان کرونا

صفحه ۸

دستورالعملی برای روز جهانی کارگر

صفحه ۹

۱۴.۱۳.۱۲

اطلاعیه های حزب

دولت موظف است معیشت همه شهروندان را تامین کند

اعتراض به عدم تامین معیشت، علیه اخراج و...

بحران کرونا و اعتراضات کارگران به اخراجها و...

اعدام مصطفی سلیمی در سقز با همکاری اتحادیه میهنی کردستان

چند خبر اعتراضی کارگری

مطالب مدیای اجتماعی صفحه ۱۵

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۶۴

جمعه ۲۹ فروردین ۱۳۹۹، ۱۷ آوریل ۲۰۲۰

بحران کرونا و اهمیت خواست
تامین معیشت همگانی

گفتگو با حمید تقوایی



انترناسیونال: اخیرا

بحران سالهای ۳۰ هم بدتر و دراز مدت تر و گسترده تر خواهد بود. از هم اکنون بسیاری از احزاب و دولتها و اتاق فکرها بوزواری در فکر تمیهداتی برای مقابله با این وضعیت هستند. پرداخت حقوق همگانی یکی از این نوع تمیهدات است که از جانب جناحها و صاحبان نظران دوراندیش تر سرمایه داری مطرح میشود. اما نفس طرح نظریه و گفتمان پرداخت حقوق همگانی امر پیشرو و رو بجلوئی است. باید به دولتها فشار آورد تا آنرا اجرا کنند. امروز بحران کرونا این را به امری مبرم و فوری تبدیل کرده است ولی خواست تامین معاش همگانی از بحران جاری فراتر میرود. این خواست برحق و انسانی و مبرمی است که باید در همه

دولت اسپانیا اعلام کرده است که قصد دارد به همه شهروندان حقوق پایه بپردازد. دولتها و احزاب دیگری هم سیاستهای مشابهی مطرح کرده اند. چرا این روزها چنین طرحهایی مطرح میشود؟ آیا این طرح و سیاستی ناشی از بحران کرونا است و یا بحث سابقه داری است؟

حمید تقوایی: روشن

است که در شرایط امروز دلیل مطرح شدن چنین بحثی بحران پاندمی کرونا است. اقتصاد در همه کشورها بحالت نیمه تعطیل درآمد، بخش اعظمی از جامعه خانه نشین شده، کار و تولید در اغلب رشته ها متوقف شده و به این ترتیب یک بحران شدید و گسترده اقتصادی در همه کشورها شکل گرفته است که پیش بینی میکنند حتی از

ادامه در صفحه ۲



خواهد شد. آیا در شرایط فعلی همین گفتار به این دلیل نیست که مردم را آرام کنند و آنانرا در واقع به یک نور غیر قابل دسترسی در انتهای تونل دلخوش کنند؟

حمید تقوائی: روشن است که نظام سرمایه داری بخصوص وقتی با چنین بحرانی مواجه است قادر با تامین معیشت عمومی نیست ولی این امر را باید به دولتها تحمیل کرد. گفتار پرداخت حقوق پایه را مستقل از نیت طراحانش باید جدی گرفت و برای تحققش مبارزه کرد. روشن است که دولتها و احزاب حاکم با یک بحث و مناظره در صفوف خودشان تامین معیشت همگانی را در دستور نخواهند گذاشت. تنها در صورتی که این ایده و گفتار به جنبش های عظیم اجتماعی، جنبش کارگری، و اعتراضات توده ای مردم برای تحقق این خواستها دامن بزند آنگاه می شود امید داشت که وضعیت بطور پایه ای تغییر کند.

همانطور که اشاره کردید بحران عظیمی در پیش است. بحرانی که بسیار گسترده و دراز مدت و شدید تر از بحرانهای گذشته خواهد بود و فقط هم در سطح اقتصادی محدود نخواهد ماند بلکه همه بنیادهای فکری سیاسی ایدئولوژیک سرمایه داری را در بر خواهد گرفت. به نظر من در دوره پسا کرونا منطق و جهانی بینی و فلسفه سرمایه داری مبنی بر سازماندهی کل جامعه بر مبنای سود اندوزی و رقابت و قوانین بازار آزاد و غیره در افکار عمومی و حتی از جانب متفکرین و استراتژیستهای طبقه حاکمه عمیقاً بزیر سؤال خواهد رفت.

در چنین فضائی طرح تامین معیشت همه مردم

گفتگو با حمید تقوائی

بحران کرونا و اهمیت خواست تامین معیشت همگانی

معروف به ریاضتکشی اقتصادی در دستور کار همه دولتها قرار گرفت.

اما بحث حقوق پایه فراتر از کمک هزینه یا حق بیکاری و بیمه های بازنشستگی و غیره است. یک رکن نظریه حقوق پایه اینست که باید همگانی باشد یعنی به همه شهروندان، مستقل از موقعیت اقتصادی و شغل و درآمد و یا اشتغال و عدم اشتغال هر فرد، تعلق بگیرد. تنها شرط اینست که افراد به سن قانونی (در اغلب کشورها ۱۸ سال) رسیده باشند. البته این امر هیچگاه از گفتمان، و حداکثر طرحهایی موقت و آزمایشی در بخشهایی از بعضی از کشورها، فراتر نرفته و به شکل یک ایده باقی مانده است. اهمیت طرح حقوق یا درآمد پایه در اینست که موضوع تامین معیشت را در یک سطح همگانی و مستقل از نوع شغل و موقعیت اقتصادی شهروندان مطرح میکند و به این ترتیب انتظار و توقعی را در جامعه ایجاد میکند که میتواند به حرکات و جنبشهای اعتراضی دامن بزند و به ارتقای سطح زندگی کارگران و توده مردم منجر بشود.

انترناسیونال: ولی صندوق بین المللی پول و دیگر نهادها نظیر آکسفام شدیداً اظهار نگرانی کرده اند که رکود اقتصادی که بعد از کرونا بر دنیا حاکم میشود در نود سال گذشته بیسابقه خواهد بود. موج وسیعی از فقر و گرسنگی جهان را فرا خواهد گرفت. و تقریباً نیم میلیارد نفر به جمعیت فی الحال گرسنگان که تقریباً دو و نیم میلیارد نفر است افزوده

کشورها برای تحقق اش مبارزه کرد.

در مورد بخش دوم سؤال شما باید بگویم بحثی که امروز تحت عنوان حقوق یا در آمد پایه مطرح میشود سابقه طولانی ای دارد. از قرن شانزدهم میلادی چنین نظراتی در اروپا در میان اصلاح طلبان طبقه حاکمه که میخواستند سیستمی بوجود بیاورند که با ثبات تر و ماندگارتر باشد مطرح بوده است. در میان انقلابیون فرانسه در دوره انقلاب کبیر و انقلابیون آمریکا در دوره جنگ استقلال نیز ایده و خواست پرداخت حقوق به همه شهروندان با عناوین و روایتهای مختلفی مطرح بوده است.

از سوی دیگر میدانیم که دولتهای رفاه که در اروپا بعد از جنگ دوم شکل گرفتند به نوعی تامین معاش و سطحی از رفاه عمومی را در دستور کار خودشان قرار دادند. کلاً بعد از انقلاب اکتبر ایده تعهد و وظیفه دولت برای تامین زندگی شهروندان جهانی شد و بعد از بحران دهه سی، و جنگ جهانی دوم که متعاقب آن روی داد، دولتها برای بقول خودشان "جلوگیری از خطر سرخ" به این نوع سیاستها روی آوردند. سیاست دولتهای رفاه البته پرداخت حقوق همگانی نبود ولی از طریق بیمه بیکاری، بهداشت و تحصیل رایگان، بیمه های اجتماعی و نظایر آن سطحی از رفاه عمومی را تامین میکرد. از دهه هفتاد میلادی و بویژه بعد از فروپاشی شوروی دوره دولتهای رفاه هم بپایان رسید و سیاست

داری در تناقض است. اما این به معنای دست کشیدن از مبارزه برای خواست تامین معیشت همگانی نیست. مردم از تناقض خواست برحق خود با سودآوری سرمایه به این نتیجه نمیرسند که خواستشان را کنار بگذارند، برعکس به اینجا میرسند که نظام سرمایه داری باید کنار گذاشته بشود. باید از همین امروز برای تامین معیشت و رفاه همگانی از جمله پرداخت حقوق پایه به همه مردم مبارزه کرد. این علاوه بر پاسخگوئی به نیاز مردم در شرایط امروز، خود جزئی از مبارزه برای برانداختن سرمایه داری هم است. اگر دولتها نمیتوانند این خواستها را برآورده کنند کنار بروند.

انترناسیونال: آیا فضای جامعه در شرایط فعلی آطور هست که مبارزه و فشار اجتماعی باعث بشود دولتها در این مسیر گامی بردارند؟

حمید تقوائی: در شرایط فعلی مردم با بیماری کرونا دست و پنجه نرم میکنند و اکثریت جامعه در همه کشورها خانه نشین شده است. ولی این دوره بالاخره به پایان میرسد. دوره پسا کرونا، و حتی در دل همین بحران کرونا، دوره آرامش و ثبات سیاسی برای هیچ دولتی نخواهد بود. این را خود دولتها و صاحبانظران

ادامه مطلب صفحه ۱۰

بوسیله دولتها موضوعیت و زمینه اجتماعی بیشتری پیدا میکند و میتواند هم بعنوان یک مطالبه مشخص و مبرم و فوری و هم گفتمانی که کل نظام سرمایه داری را بچالش میکشد، به یک حرکت و جنبش عمومی در سطحی گسترده شکل بدهد.

نکته ای که باید بر آن تاکید کرد اینست که ایده و گفتار پرداخت حقوق همگانی خواه ناخواه بینش و تلقی ای از حق زندگی و حقوق شهروندی و رابطه بین شغل و معیشت را مطرح میکند که در اساس خود با فلسفه و بینش و دکترین سرمایه داری متناقض است.

در نظام سرمایه داری تامین معیشت افراد تماماً به شغل و موقعیت اقتصادی آنها بستگی دارد. اقلیتی که صاحب سرمایه است میتواند تا آخر عمر دست به سیاه و سفید نزند و از همه مواهب برخوردار باشد و کارگری که بجز نیروی کارش مایملکی ندارد ناگزیر است روزی هشت ساعت کار کنند و تازه هشتتس گرو نه باشد. از کارهم که اخراج شد باید تن به گرسنگی بدهد و یا در بهترین حالت با بیمه بیکاری بخور و نمیری گذران کند. سودآوری سرمایه تماماً بر همین نیاز و اجبار توده مردم به تن دادن به بردگی مزدی مبتنی است و لذا تامین معیشت همگانی با کل موجودیت نظام سرمایه

جمهوری اسلامی و شورش ۳۰ میلیون گرسنه

اصغر کریمی



با خامنه ای و سایر مقامات حکومت این بحث ها با شدت و حدت جریان داشته و جملگی روی آن توافق دارند که کارها باید زودتر شروع شود در غیر اینصورت کل اقتصاد میخوابد و با شورش ۳۰ میلیون گرسنه روبرو خواهند شد. البته همه میدانند که اشکال کار جمهوری اسلامی فقط نداشتن سرعت عمل و شدت عمل نبوده است. پرونده جمهوری اسلامی بسیار سیاه تر از این حرفها است.

با دستور مقامات دولت مبنی بر شروع فعالیت از روز شنبه ۲۳ فروردین که همه جناح های جمهوری اسلامی و شخص خامنه ای بر آن توافق دارند، تردیدی در این نمانده است که جمهوری اسلامی سناریوی یک میلیون مرگ را انتخاب کرده است و البته یک میلیون در خوشبینانه ترین حالت. مهم نیست دفتر روحانی خبر مربوط به صحبت روحانی که ممکن است دو تا دو و نیم میلیون نفر بمیرند را تکذیب میکند. قرار است یکی دو میلیون از محروم ترین بخش مردم طبق سیاست های حکومت قربانی شوند تا شیوع ویروس کرونا کنترل شود!

اما نکته ای که مشغله واقعی مقامات حکومت است همان شورش ۳۰ میلیون گرسنه است. مهم نیست این نکته هم تکذیب شود یا نشود. پیش بینی این سناریو برای حکومتی که خیزش های مردم در دو سال گذشته را دیده است، از خشم و نفرت عمومی و گسترش این خشم و نفرت در دوره کرونا بخوبی مطلع است، راهی برای حل و حتی تخفیف بحران هایش ندارد و هر روز فقر و محرومیت بیشتری دارد به

حاکمیت سناریوی دو میلیون مبتلا به کرونا و حداقل یک میلیون مرگ را انتخاب کرده است) و اگر طی روزهای آینده فعالیت های اقتصادی را کامل آزاد کنیم ممکن است در مدیریت کرونا با یک سناریوی فاجعه بار مواجه شویم. حمید نوری عضو ستاد ملی مدیریت کرونا نیز گفته است " تجربه کشورهای دیگر که موفق عمل کرده اند، نشان می دهد دو رویکرد مهم داشته اند: یکی سرعت و دیگری شدت عمل در اقدامات. جای تأسف است که در ایران نه سرعت عملمان مناسب بوده و نه شدت عملمان. هیچ کدام از اقدامات مدنظر کارشناسان برای کنترل اپیدمی کرونا به موقع و با شدت عمل کافی اجرا نشد. در حال حاضر کل کشور آلوده شده و این موضوع کنترل اپیدمی را سخت کرده است". حمید نوری ضمن اشاره به سیاست های جاری حکومت میگوید با این تصمیمات روند صعودی شیوع کرونا ادامه پیدا میکند و ۶۰ درصد جامعه را مبتلا میکند و حداقل ۴۰۰ هزار نفر را قربانی میکند. از قرار در جلسات مختلف ستاد و هیئت وزیران و در جلساتی

در روزهای گذشته خبری در برخی رسانه های خارج کشور منتشر شد که روحانی در جلسه شورای امنیت گفته است اگر بین دو تا دو و نیم میلیون نفر جان خود را به علت ابتلا به کرونا از دست بدهند، ما به خاطر وضعیت اقتصادی و معیشت مردم نمی توانیم کشور را تعطیل کنیم چون فردا ۳۰ میلیون گرسنه دست به شورش میزنند و قابل کنترل نیست. دفتر روحانی با دستپاچگی این خبر را تکذیب کرد. اما نیازی به این سند نیست تا معلوم شود که سیاست جمهوری اسلامی قربانی کردن میلیونی مردم است. تمام رفتار حکومت از همان ابتدای شیوع بیماری کرونا بر این اساس بود که از جان مردم برای ادامه حیاتش مایه بگذارد.

سناریویی که از ابتدای شیوع کرونا در دستور کار جمهوری اسلامی قرار گرفت و دکتر حسن اینانلو معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی البرز هم به آن اشاره کرده است این بود که فعالیت های اقتصادی و غیره ادامه پیدا میکند، دو سوم مردم کرونا میگیرند و حداقل یک میلیون نفر میمیرند تا به مرحله کنترل کرونا برسند. او گفته بود در حاکمیت سناریوهای دیگر طرفداری ندارد (یعنی



انسان شریفی که داوطلبانه حاضر به کمک هستند برای خدمات مختلف کمک گرفت و مانع یک فاجعه عظیم شد. اما هیچکدام اینها را جمهوری اسلامی نمیتواند و نمیخواهد عملی کند. مفتخوران میلیاردی حاکم نه حاضرند از ثروت های خود صرف نظر کنند، نه حاضرند از سیاست جنایتکارانه خود در منطقه چشم پوشی کنند، نه اوباش سرکوبگر را به خانه بفرستند، نه هزینه های مذهب را حذف کنند و نه داوطلبان انساندوست و شریف این جامعه برای کمک به هموطنانشان به میدان بیایند.

اگر جلو جنایتکاران را از نگیریم عزیزان بیشماری را از دست میدهیم. هم خطر را باید جدی بگیریم و جلو وقوع آترا بگیریم و هم به مفتخوران حاکم فشار بیاوریم که زندگی مان را تامین کنند. سی میلیون نفری که حکومت از آنها وحشت دارد، نیروی عظیمی هستند که میتوانند خواست تامین معیشت را به حکومت تحمیل کنند. مساله سازمان دادن و سازمان یافتن این نیروی عظیم است که از هر زمان عصبانی ترند. فعالین سیاسی و اجتماعی، کمونیست ها و رهبران کارگری کماکان نقش کلیدی در سازماندهی دارند. گروهها و کارزارهای همیاری که توسط فعالین در شهرهای

مردم تحمیل میکند، مشکل نیست. بیجهت نیست که حتی در اوج بحران کرونا کارگر هپکو را احضار میکنند و یک روز از پرونده سازی و احضار فعالین جنبش های اعتراضی غافل نمیشوند.

یک سوال که این روزها ذهن جامعه را به خود مشغول کرده این است که آیا حکومت راه دیگری ندارد که هم مشاغل و اصناف را تعطیل کند و هم زندگی مردم را تامین کند؟

واقعیت این است و همه مردم میدانند که صدها نه، بلکه هزاران میلیارد دلار در حساب آیت الله ها و آقازاده ها و یک قشر کوچک مفتخور هست، هزاران ویلای هرکدام دهها میلیون دلاری که محل تفریح و خوشگذرانی آنها است در این مملکت وجود دارد، همین الان ماهانه میلیاردها دلار صرف جریانات اسلامی در کشورهای دیگر و یا صرف دم و دستگاه مذهب و نیروهای سرکوب و تسلیحات میشود و صدها قلم نجومی دیگر که یک اقلیت مفتخور روی آنها چنگ انداخته اند. با این ثروت های افسانه ای میتوان زندگی دهها میلیون مردمی که در فلاکت زندگی میکنند را بخوبی تامین کرد، بیمارستان ها را با سرعت مجهز کرد، پزشکان و پرستاران بسیار بیشتری استخدام کرد و از صدها هزار



پلاتفرم فعالیت حزب در دوره بحران کرونا

ایدمی کرونا یک بحران تمام عیار را در جهان دامن زده است. کرونا گرچه یک بیماری ویروسی است، اما تبدیل آن به یک بحران و یک فاجعه اجتماعی آشکارا ناشی از غیر انسانی بودن نظام حاکم، نظام سرمایه داری است که بر محور سوداندوزی و نه پاسخگویی به نیاز مردم بنا شده است. از بدترین نمونه ها در جهان، ایران تحت حاکمیت اسلامی است. در ایران حکومتی سرکار است که خود کنار ویروس کرونا ایستاده و از ابتدا تاکنون سیاستش بجزاشاعه این بیماری مهلک و قربانی شدن مردم نتیجه ای نداشته است. بر این اساس فعالیت حزب در این دوره مقابله با بیماری کرونا و سیاستهای ضد مردمی حکومت در دوره کرونا متمرکز میشود.

محورهای تبلیغات و فعالیت ما عبارت است از آگاهگری و فعالیت عملی برای مقابله با کرونا بویژه افشای سیاستهای ضد مردمی حکومت و خنثی کردن سیاستها و اقدامات حکومت که خطر ابتلا به این بیماری مهلک را افزایش میدهد، مبارزه برای تامین معیشت همگانی، تاکید روی اعتصاب عمومی و تعطیل مراکز تجمع، و حمایت فعال از نهادهای مردمی مقابله با کرونا و تقویت عملی آنها.

۱- مقابله با قربانی شدن مردم با ایدمی کرونا

الف- افشای نقش حکومت در اشاعه ویروس کرونا و سیاستهای آن در مورد پیشگیری از بیماری و درمان و بهداشت، امنیتی کردن مساله کرونا و سد کردن کمک رسانیهای مردمی به بیمارستانها و بیمارمان، مقایسه سیاستها و اقدامات حکومت با اقدامات دولتها در دیگر کشورها و غیره.

ب- انتشار بیانیه ها و اطلاعیه های حزبی و تبلیغات روزمره و مداوم در تلویزیون و مدیای اجتماعی در زمینه مقابله با کرونا و حکومت همدست او. تلاش برای تماس و انجام مصاحبه با پزشکان و پرستاران از طریق کانال جدید و یا مصاحبه های کتبی به تعداد هر چه بیشتری از فعالین و همینطور گرفتن پیام از آنها. بازتاب دادن و

برجسته کردن نقش کادر درمانی در رسانه های حزب و همچنین مشکلات و معضلات آنها از جمله معضلات مربوط به دستمزد و کمبود پرستار و امکانات پزشکی و وضعیت درمان و بهداشت در ایران. ج- مقابله با سیاستهای ضد مردمی حکومت مثل بازگرداندن زودرس مردم به سر کار، عدم تعطیل زندانها و پادگانها، بسیج سپاه و نیروهای سرکوبگر امنیتی کردن فضای جامعه به بهانه کرونا و غیره.

د- تاکید روی موازین پزشکی و بهداشتی بر مبنای استانداردهای بین المللی و استفاده از تجربیات و دانش پزشکی جهانی برای مقابله با کرونا و تامین نیازهای همه مردم و محیطهای عمومی و زندگی و کار در زمینه پزشکی و بهداشتی و درمانی. ه- طرح درمان و پیشگیریهای درمانی رایگان برای همه افراد بدون استثنا. تامین دستکش و ماسک و دارو و امکانات پزشکی لازم برای بیمارستانها. تامین ایمنی پزشکان، پرستاران و کلیه کادر درمانی در بالاترین حد ممکن.

و- پاکسازی و ضدعفونی محیطهای عمومی مثل بیمارستانها، محیطهای کار، اماکن عمومی و غیره با استانداردهای شناخته شده بین المللی.

ز- کمک به پناهندگان و مهاجرین مقیم ایران و حمایت از آنان در مقابله با بیماری کرونا. افشای تبعیضات فاحشی که در حق مهاجرین و پناهندگان، بویژه مهاجرین افغانستانی، در زمینه امکانات بهداشتی و پزشکی و داروئی اعمال میشود، مقابله با این تبعیضات و کمک ویژه به مهاجرین و پناهندگان ساکن ایران در مقابله با بیماری کرونا.

برای پیشبرد این محورها ما بر تعطیل همه مراکز تجمع، اعتصاب عمومی، تشکیل ستادهای مردمی مبارزه با کرونا و استفاده از مدیای اجتماعی و طرح بیانیه ها و طومارها و کارزارها برای اعلام خواستها و انتظارات مردم تاکید داریم.

۲- تاکید روی حقوق پایه و تامین معیشت همه شهروندان

یک وظیفه تعریف شده و رسمی

دولتها تامین زندگی مردم است و این را باید به اهرمی برای فشار بر حکومت اسلامی و کل سرمایه داران تبدیل نمود. در این دوره این مساله مرمیت خاصی پیدا میکند. بخشهای زیادی از مردم در این دوره ممر در آمد خود را از دست میدهند و باید زندگی شان تامین شود. این شرایط سخت اقتصادی سوالات و جنب و جوش و فضایی را برای طرح حقوق پایه و انسانی همه شهروندان ایجاد میکند. ما تاکید داریم که دولت موظف است زندگی همه افراد (بیکاران، شاغلین، بیماران، بازنشستگان، کودکان کار، تن فروشان، معاندان، کارتوتن خوابها، پناهندگان، دستفروشان و همه نیازمندان) را با استاندارد قابل قبول تامین کند. ما علاوه بر مطالبات معیشتی و رفاهی همیشگی حزب- افزایش دستمزدها در سطح خط رفاه، بیمه بیکاری و حقوق بازنشستگی مکفی، بهداشت و درمان رایگان، تحصیل رایگان، بیمه های اجتماعی و غیره- بر پرداخت حقوق پایه ای به همه افراد کم در آمد و بدون درآمد بمنظور تامین معیشت و رفاه برای تک تک مردم تاکید میکنیم.

فشار روی حکومت برای تحقق این خواستها یک رکن تبلیغات و فعالیت ماست.

کلا سوال مهمی که در این دوره و با این تاکیدات مطرح میشود اینست که منابع تامین مالی زندگی مردم در این دوره کدام است. حتی در صورت تعطیل مراکز تولیدی و تعطیل فروش نفت و بحران اقتصادی و غیره، ثروتها و ذخایر بسیار عظیمی در اختیار حکومت و سرمایه داران هست که اگر امرشان باشد میتوانند در اختیار مردم قرار دهند و سالهای سال زندگی مردم را تامین کنند. سرمایه داران و حکومت سالهای سال در دیده اند و اکنون باید پس بدهند. مردم حق دارند زندگی کنند. نه از حکومت و نه از هیچکس دیگری این را نمی پذیرند که بودجه های عظیم صرف نهادهای سرکوب و حوزه های خرافه پرانگی و حیف و میل سرمایه داران و آقازاده ها شود و مردم بخاطر مصالح حکومت و سود و سرمایه قربانی شوند.

مهمترین نکته اینست که مردم بدانند که اوضاع خطرناک است و این تنها دولت است که امکانات و اهرمهای اجتماعی لازم برای تامین زندگی مردم را در اختیار دارد و با استفاده از این امکانات و اهرمها و ثروتهاست که میتوان زندگی مردم

برای رهایی از ویروس کرونا باید از کرونای جمهوری اسلامی رهایی یافت!

سرنگون باد حکومت چپاول، دروغ و جنایت اسلامی



امکان تعطیل آنها وجود ندارد، موازین و شرایط کار با استاندارد کامل بهداشتی و پزشکی در همه زمینه ها، چه در زمینه عدم فشردهای جمعیت و چه در مورد تامین امکانات پزشکی و معاینه و غیره رعایت شود. برای تحمیل تعطیلی مراکز کار ما بر اعتصاب عمومی تاکید میکنیم.

زندگی همه کارگران و کارمندان در بخش خصوصی و دولتی که بخاطر بیماری کرونا کار خود را از دست داده اند و یا از رفتن به سرکار خود داری کرده اند و یا اعتصاب کرده اند باید بوسیله دولت و کارفرماها تامین بشود.

۴- حمایت و تشویق عمل مستقیم مردم در مقابله با کرونا و حکومت

کمیته های محلی، جمعهای خودیاری مردمی در میان پزشکان و پرسنل بیمارستانها و دیگر فعالین، اقدامات سازمانهای مردم نهاد برای کمک رسانی به کادر درمانی و خانواده های قربانیان کرونا و دیگر بخشهای محروم جامعه، شورش و فرار از زندانها و فرار از پادگانها از جمله تحرکات و اعتراضات و فعالیتهای اجتماعی توده مردم در مقابله با کرونا است. حزب وظیفه دارد از این تلاشها و مبارزات حمایت کند، با فعالین آنها ارتباط برقرار کند و به آنها یاری برساند.

یک رکن دیگر فعالیت حزب سازماندهی ستادها و نهادهای لازم برای مقابله با کرونا، تعطیلی زندانها و پادگانها و مراکز کار، و تامین معیشت مردم است. حزب از شبکه ها و نهادهای مردمی که در این جهت فعالیت میکنند پیگیرانه حمایت میکند.*

را از فاجعه بیماری و گرسنگی نجات داد. ثروت و امکانات در جامعه فراوان است و هیچکس نباید در هیچ شرایطی به دلیل بیکاری، فقر و کمبود درآمد یا نداشتن درآمد گرسنه بماند و زیر فشار قرار گیرد. بهانه رکود تولید و کمبود درآمد و بحران اقتصادی و کسر بودجه و امثال اینها بهیچوجه و در هیچ شرایطی برای رها کردن مردم در بی تامينی قابل قبول نیست.

۳- تعطیلی همه مراکز تجمع

کلیه مراکز تجمعی که تا کنون تعطیل نشده از جمله و بویژه زندانها، پادگانها و مراکز تولید کالاها و خدمات، باستانهای رشته هائی که مورد نیاز فوری مردم هست، باید فوراً تعطیل بشود.

زندانیان: همه زندانها باید تعطیل بشوند و زندانیان باید آزاد شوند. ما برای آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی و آزادی سایر زندانیان تارفع بحران تاکید داریم.

پادگانها: بیش از نیم میلیون سرباز و درجه دار وظیفه در پادگانها به سر میبرند. به همه آنان باید تا پایان بحران کرونا مرخصی داده بشود.

مراکز کار: یک محور تبلیغات و فعالیت ما تاکید بر اعتصاب عمومی و تعطیل مراکز کار است. همه کارگران و کارکنان بخش خصوصی و دولتی بجز کارکنان و کارگرانی که کار آنها برای جامعه ضروری است و حیاتی است مثل کادر درمانی و کارگران آب و برق و بخش هایی از ترانسپورت و امثال اینها باید با حقوق کامل تعطیل شوند.

باید در مراکز حیاتی ای که



قابل درک است. ج.ا به هزاران نفر از زندانیان مرخصی نداد، زندانیان را آزاد نکرده و کلا با بی مسئولیتی به زندگی و شرایط زیست و محیط زندگی آنها در زندان ها برخورد کرده است. در خیلی از کشورها هزاران زندانی بشکل موقت و تعداد زیادی از آنها بشکل دائم از زندان ها مرخص و آزاد شده اند. مساله حق حیات زندانیان در ایران و در سطح بین المللی در شرایط کنونی (بحران مرگبار کرونا) پدیده ای کاملا آشنا است. دولتها و نهادهای حقوق بشری از شورش زندانیان و بویژه در ایران که در چند زندان انجام شده، اطلاع دارند. تصمیم زندانیانی مثل مصطفی سلیمی به فرار و پناه بردن به کردستان عراق و رفتن به شهر پنجونین در چنین شرایطی صورت گرفته و کاملا قابل درک است. مصطفی سلیمی با استفاده از امکانات اجتماعی و در نظر گرفتن تمهیدات و انتظامهای قابل دسترس (ارتباط با یکی از مسئولین حزب دمکرات کردستان ایران) به منظور پوشش امنیتی و پذیرش او توسط نیروهای اتحادیه میهنی و اقلیم کردستان، تمامی تلاش هایش را برای حفظ جان و ادامه زندگی را تدارک دیده بود. او با هزاران رویا و آرزوهای شیرین، رهایی از اعدام، به امید و آرزوی دیدار با تنها فرزند بیمارارش، در شهر پنجونین مستقر و تقاضای پناهندگی و ماندن در اقلیم کردستان را می نماید. در ظرف حدود کمتر از دو روز و با مطلع شدن نیروهای «آسایش» (نیروهای تحت فرماندهی اتحادیه میهنی کردستان عراق، آرزوهای شیرین مصطفی سلیمی زندانی سیاسی محکوم به اعدام، به سیاهی و گرفتار

گفتگو با نسان نودینیان دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری اعدام یک زندانی سیاسی با همدستی حکومت اقلیم و جمهوری اسلامی



انترناسیونال: اعدام مصطفی سلیمی زندانی سیاسی توسط ج.ا که این هفته صورت گرفت، با انزجار و خشم گسترده در میان مردم و احزاب سیاسی روبرو شد. در ارتباط با این جنایت با نسان نودینیان دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری گفتگویی انجام دادیم: نسان نودینیان! کمی در معرفی این زندانی برای خوانندگان توضیح دهید. به چه اتهامی دستگیر شده بود و چرا اعدام شد؟

نسان نودینیان: مصطفی سلیمی ۸ فروردین سال جاری به همراه بیش از دویست نفر از زندانیان بخاطر نگرانی از ابتلا به ویروس کرونا و همچنین کمبودهای دارویی و پزشکی و عدم مراقبت های بهداشتی که در زندان با آن مواجه بودند در زندان مرکزی سقز دست به شورش زدند. از این تعداد بیش از هفتاد نفر موفق به فرار شدند. خبر و فیلم کوتاهی از این حرکت وسیعا در رسانه ها انتشار یافت. متاسفانه تحت شرایط امنیتی تعدادی از زندانیان فراری دستگیر می شوند. مصطفی سلیمی موفق میشود خود را به عراق و شهر پنجونین برساند. طبق اسنادی که توسط خانواده مصطفی

سلیمی و تعدادی از ساکنین شهر پنجونین در دسترس است، ایشان در شهر پنجونین و یا روستایی نزدیک این شهر بنام «گرمک» توسط نیروهای «آسایش» که نیروهای تحت فرماندهی اتحادیه میهنی کردستان عراق میباشد، دستگیر شده و در مرز ایران و عراق در روستای «سیران بند» به نیروهای ج.ا تحویل داده میشود و از آنجا به زندان مرکزی سقز منتقل میشود. مصطفی سلیمی، فروردین ماه ۱۳۸۲ توسط ج.ا دستگیر، محاکمه و به ۱۵ سال حبس تعزیری به اعدام محکوم شده بود و همه این سالها در زندان بود. او عضو حزب دمکرات کردستان ایران بوده است.

انترناسیونال: همانطور که گفتید مصطفی سلیمی در تاریخ ۸ فروردین همراه با یک جمع ۷۰ نفره از زندان سقز فرار کرده و به کردستان عراق رسیده بود. چطور شد این زندانی مجددا بدست رژیم اسلامی گرفتار گردید و سریعا اعدام شد؟

نسان نودینیان: شورش و فرار زندانیان برای ادامه حیات و زندگی و محفوظ ماندن از ابتلا به ویروس کرونا، تلاش و مبارزه آنها بین مرگ و زندگی برای مردم و جامعه در سطح بین المللی

ارتباطات نزدیکی دارند. در بخش جنوبی تر کردستان عراق، مناطق تحت کنترل اتحادیه میهنی سپاه قدس و جمهوری اسلامی با قدرت و با مانورهای نظامی و سیاسی در همکاری نزدیک و استراتژیک تری با اتحادیه میهنی همکاری می کنند. اتحادیه میهنی در واقع تحت فرماندهی سیاسی و نظامی سپاه قدس و نیروهای ج.ا است. در دوره های بسیار بحرانی عناصر سپاه قدس بویژه تروریست بقتل رسیده قاسم سلیمانی، حزب جلال طالبانی را کمک کرده و از متلاشی شدن آنها جلوگیری کرده اند. با در نظر گرفتن این ارتباطات تنگاتنگ مابین نیروهای سپاه قدس و اتحادیه میهنی در اقلیم کردستان، ج.ا تا کنون بیش از صد نفر از اعضا اپوزیسیون و مخالف ج.ا و سرنگونی طالب را ترور کرده است. در روز روشن و آفتابی به مقرهای احزاب دمکرات کردستان ایران لشکر کشی نظامی کرده است. مقرها و دفاتر احزاب اپوزیسیون مستقر در عراق را توپ باران و به آنها حمله کرده است. کنسولگری های جمهوری اسلامی در اقلیم کردستان محل های سازماندهی

شدن در دام نیروهای ضد انسانی اتحادیه میهنی و تحویل دادنش به ج.ا اسلامی تبدیل میشود و برباد میرود. چرایی افتادن این زندانی سیاسی به دست جمهوری اسلامی در واقع به دلیل مرادوات و ساخت و پختهای بسیار با سابقه و البته خونین حکومت اقلیم کردستان و اتحادیه میهنی حزب جلال طالبانی با ج.ا اسلامی و بویژه سپاه قدس و نیروهای امنیتی ج.ا صورت گرفته است.

عراق در نیم قرن اخیر «عراق خونین» است. جنگ و بمب و کشتار جمعی و آواره شدن، تصویر عراق در این دوران است. موزاییک قومی - مذهبی در حاکمیت، میلیتاریزم نظامی با حضور امریکا و کشورهای ائتلاف، حاصل خونین بودن عراق امروزی است! جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی در عراق بخش بزرگتری از معماران سناریوی سپاه، خونین و تروریسم در عراق هستند. کردستان عراق تحت نفوذ و هژمونی دولتهای ج.ا و دولت فاشیستی - اسلامی ترکیه هستند. حزب دمکرات کردستان عراق با دولت ترکیه در ارتباط نزدیک است و با فرماندهان ارتش ترکیه در مناطق شمالی تر کردستان

آدرس های تماس با حزب:

تلفن واتس اپ: 00447435562462

انستاگرام: wpi91

تلگرام حزب: @wpi_hkki

پیامگیر تلگرام: @wpi_tamas

ادامه در صفحه ۱۱



گرده پرستاران بیرون بکشند. هم اکنون شمار بسیاری از پرستاران هیچگونه امنیت شغلی ای ندارند.

بیکارسازی پرستاران در شرایطی صورت میگیرد که کمبود پرستار یک معضل سابقه دار در بیمارستانهاست و امروز در دل بحران کرونا این کمبود ابعاد فاجعه باری بخود گرفته است. همواره یکی از موضوعات اعتراضات پرستاران، اعتراض به بالا بودن فشار کار و تحمیل اضافه کاری های اجباری به آنها بوده است. کاهش میزان پرستارها بدون شک تاثیر خود را بر استاندارد درمانی در سطح سراسری میگذارد و انجام این کار در دوره بحران کرونا یک جنایت آشکار و بازی کردن با جان بیماران و همه مردم است.

علاوه بر بیکارسازیها تعویق پرداخت دستمزد و مطالبات پرستاران یکی از معضلات آنهاست. در همین مدت در این شهر و آن شهر تجمعات اعتراضی ای بخاطر آن برپا شده است. نمونه اخیرش اعتراضات پرستاران در ایلام بخاطر تعویق پرداخت حقوقهایشان بود. تعدادی از پرستاران دانشگاه علوم پزشکی اهواز نیز هنوز دستمزد اسفند ماه خود را نگرفته اند. بعلاوه یک موضوع مهم اعتراض پرستاران در این مدت، اعتراض به عدم وجود امکانات بهداشتی لازم جهت مقابله با شیوع بیماری مرگبار کرونا و نجات جان انسانها و خطر ابتلای خود آنان به این بیماری بوده است. گزارشات بسیاری حاکی از کمبود ماسک و مواد ضد عفونی

کرونا: کمبود پرستار و اخراج پرستاران!

شهلا دانشفر



پرستاری این اخراجها را امری عادی در حوزه اختیارات بخش خصوصی قلمداد کرده و تنها به توصیه هایی اکتفاء کرده و میگوید: "بخش خصوصی در تمام دنیا تابع ملاحظات اقتصادی خاص خودش است. همچنین در کل دنیا، بخش های خصوصی زیادی نیروهای خود را تعدیل کردند که متولی آن وزارت رفاه است و قانون کار در این رابطه حاکم است. ما در این رابطه کارویژه ای نداریم. تنها می توانیم به بیمارستان های خصوصی توصیه کنیم در دوره مشکلات با همدیگر مدارا کنید."

تعداد پرستاران اخراجی مشخص نیست اما براساس گزارشها، جمعیت پرستاران شاغل در بخش خصوصی به ۷ تا ۸ هزار نفر می رسد که استخدام آنها مطابق با قانون کار اسلامی صورت می گیرد. بالغ بر ۳۰ هزار پرستار نیز به صورت شرکتی شاغل اند که همواره خطر بیکار شدن از کار آنها را تهدید میکند. سالهاست که بیمارستانهای بخش خصوصی و دولتی با طرح هایی چون "پرستار شش ماهه، بهیاری یک ساله و آموزش پرستار و بستن قراردادهای موقت ۸۹ روزه برای محروم نگاهداشتن پرستاران از همان حداقل حقوق و مزایایی که قانونا به آنها تعلق میگیرد، تلاش میکنند که با ارزان ترین قیمت، بیشترین کار را از

با گسترش اپیدمی کرونا در ایران، کارفرمایان خصوصی و دولتی در ایران از این بحران استفاده میکنند و دست به اخراج های وسیع، تعطیل مراکز کار، لغو قراردادهای موقت کار و بالا کشیدن دستمزدهای ناچیز کارگران میکنند. این مفتخوران فشار معیشتی سنگینی را به صدها هزار کارگر و خانواده های کارگری وارد کرده اند. آخرین خبرها حاکی از بیکارسازی وسیع پرستاران در بیمارستان های خصوصی و بعضا دولتی و وضعیت مشقت بار کاری آنهاست. از جمله در همین هفته تنها در یک بیمارستان خصوصی مشهد ۳۰ پرستار شغل خود را از دست داده اند. زیر فشار فضای اعتراضی در میان پرستاران آنها در دل بحران کرونا رئیس کل سازمان نظام پرستاری در نامه ای به وزیر بهداشت نسبت به این مساله هشدار داده است. این در حالیکه بسیاری از مسئولان دولتی صاحبان بیمارستان های خصوصی هستند، سیاست دولت و بخش خصوصی در قبال پرستاران تفاوت چندانی ندارد و علاوه بر بخش خصوصی، بیمارستان های دولتی نیز امنیت شغلی برای پرستاران شرکتی قائل نیستند. ایرج حریرچی، معاون وزیر بهداشت جمهوری اسلامی در پاسخ به نامه رئیس کل سازمان نظام

در کنار همه این معضلات، فشار جانین اسلامی برای حضور بسیجیان در بیمارستانها ست. از جمله محسن محمودی امام جمعه ورامین و رئیس شورای هماهنگ تبلیغات اسلامی استان تهران مدیران بیمارستانها را به خاطر ممانعت از حضور بسیجیان در بیمارستانها مورد تهدید قرار داد و خواستار پاسخگویی شد. او میگوید: "بیمارستان های دشت و شهر ورامین، پیشنهاد ما درباره حضور گروه های جهادی در بیمارستان های این منطقه و در کنار پزشکان، پرستاران و بیماران را نپذیرفتند". در ادامه این سخنان او گفت: «از همان ابتدا گروه های جهادی جهت حضور در بیمارستان های شهر ورامین در کنار کادر پزشکی و درمانی و بیماران اعلام آمادگی کردند که متأسفانه تاکنون این امر محقق نشد و بیمارستان های ورامین کمک گروه های جهادی را نپذیرفتند.

بدین ترتیب یک عرصه نبرد کادر درمانی و پرستاران جنگ با دم و دستگاه مذهب و خرافه حکومت بوده است. جانین اسلامی تلاش بسیاری

کننده در بیمارستانهاست. از جمله در روز ۱۶ فروردین پرستاران بیمارستان امام رضا در مشهد در اعتراض به عدم وجود تجهیزات و اینکه ماسک های غیر استاندارد در اختیار آنها قرار داده میشود، دست به تجمع زدند. با شکل گیری ستادهای مردمی در شهرهای مختلف کمک رسانی به بیمارستانها به جنبشی اجتماعی در سطح جامعه در برابر حکومت اسلامی تبدیل شده است.

سطح حقوق پرستاران بسیار نازل و چند بار زیر خط فقر است. پرستاران قراردادی دستمزدی بسیار نازلتر و حتی کمتر از حداقل مزد تعیین شده شورای عالی کار میگیرند. بر اساس گزارشات در فاصله دو ماهی که از شروع همه گیری بیماری کووید ۱۹ میگذرد، پرستارانی که جانشان هم به خاطر سختی کار و هم به خاطر آلودگی محیط کاری به ویروس کرونا در خطر است و برای مقابله با افزایش مرگ و میر ناشی از این بیماری شبانه روز جنگیده اند، تنها ۱۹ هزار تومان به عنوان پاداش دریافت کرده اند که با اعتراض پرستاران مراکز درمانی روبرو شد.

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

"فاصله گذاری هوشمند" فرش قرمز پهن کردن زیر پای کرونا است!

محسن ابراهیمی



کنند: مرگ از گرسنگی یا مرگ از کرونا. رئیس جمهور صاحبان سرمایه باید در مقابل آن کودک کار خیابانی شرم کند که در مصاحبه با "جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان" گفت: "فکر کنم گرسنگی بدتر از کروناست. کرونا از هر چند نفر یکی را می کشد اما گرسنگی، همه را می کشد."

اما چرا در وسط کشتار کرونا، چنین طرح جنایتکارانه ای از زیر عباي روحانی بیرون آمده است؟

پاسخ هم اقتصادی است و هم مهمتر از آن سیاسی است. قبل از هر چیز رهبر معظم ارتجاع سا ل 99 را سال "جهش تولید" نامگذاری کرده است. یعنی سالی که علیرغم بلایی که حکام اسلامی بر سر اقتصاد جامعه آورده اند هنوز جمهوری اسلامی باید برای جهش پول و ثروت سرمایه داران و آیت الله های میلیاردش فکری بکند. جمهوری اسلامی همچنین پول می خواهد تا حسن نصرالله و بشار اسد و حشد الشعبی و زینبیون و فاطمیون و انواع باندهای ریز و درشت اسلامی و شیعی و مسلح و تروریست را سرپا نگه دارد. اگر کارگران در خانه بمانند از کجا باید نان سفره شان را تهیه کنند؟ روشن است که در این صورت حکومت موظف است کیسه چپاولش را شل کند و مثل خیلی از کشورها معیشت و زندگی کارگران و بیکار شده ها را تامین کند. چند ماه از شیوع کرونا گذشته است و هنوز روحانی در باره یک میلیون تومان (پول چند روز زنده ماندن!) آنهم به صورت "قرض الحسنه" که قرار است با 12 درصد بهره برگردانده شود حرافی میکند!

حسن روحانی این ابتکار حکومت را "کمک به کارگران

مسئولیت کامل حکومت برای مقابله با ویروسی است که خودش نقش فعال در شیوعش داشته است. رفع مسئولیت رسمی از تامین نیازهای کارگران و اکثریت مردم است. اعزام آگاهانه ("هوشمند") اکثریت مردم محروم به کشتارگاه کرونا است. جمهوری اسلامی با این کار همدستی اش با کرونا در کشتار مردم را رسمیت بیشتری داده است! خود مقامات حکومتی گفته اند که اجرای این طرح عملاً مقابله با کرونا را به خود مردم می سپارد و اگر "مردم همکاری نکنند کاری از دست دولت بر نمی آید!" همکاری مردم یعنی چه؟ یعنی اینکه حکومت اسلامی بدون کوچکترین حمایت مالی، جمعیت عظیم فاقد امکانات معیشت را روانه اردوگاه کار میکند و از آنها می خواهد اگر می خواهند مریض نشوند و جانشان را از دست ندهند "فاصله" را رعایت کنند!

ترافیک سنگین تهران و انبوه جمعیتی که همان روزاول اجرای "فاصله گذاری هوشمند" در اتوبوس ها و متروها کیپ هم به سر کار می رفتند به روشنی نشان داد که این طرح، طرح اعزام دسته جمعی کارگران به کشتارگاه است. با این طرح، کارگران مجبور شده اند از میان دو مرگ یکی را انتخاب

چهار روز پیش حسن روحانی بعد از جفنگیاتی از قبیل اینکه غرب باید مقابله با کرونا را از جمهوری اسلامی یاد بگیرد، "فاصله گذاری هوشمند" حکومتش را اعلام کرد.

طبق این طرح بخش مهمی از کارگران و کارمندان سرکار برمی گردند و فعالیتهای اقتصادی زیادی شروع می شوند چون ظاهراً جمهوری اسلامی خیلی در فکر کسب و کار مردم و زندگی کارگران است ولی بخشهایی از مردم همچنان در خانه می مانند چون ظاهراً جمهوری اسلامی خیلی به فکر مبارزه با کرونا است! با طرح کذایی حکومت، کجای "اقتصاد" راه می افتد؟ عملاً بر سرمبارزه با کرونا چه می آید؟ کجای این طرح "هوشمند" است؟

"هوشمندی" طرح گویا در این است که دولت "مسئول" جمهوری "هوشمندانه" چرتکه می اندازد و کارهایی را ضروری و کارهایی را غیر ضروری اعلام می کند و به این ترتیب باز هم البته "هوشمندانه" هم اقتصاد مملکت می چرخد، هم کارگران گرسنه نمی مانند و با کرونا هم مبارزه می شود!

دنیایی از حقه بازی سیاسی نظام حاکم در این طرح نهفته است. این طرح عملاً اعلام رسمی رفع



کارگران و اقشار محروم و تهیدست برگردانید؛ درهای گاو صندوق های دراندشت تولید آستان قدس رضوی و بنیاد مستضعفین را باز کنید که با چهار دهه دزدی و غارت معاش کارگران پر کرده اید؛ همه پولهایی را برگردانید که برای پروار کردن ده ها دوجین نهاد و سازمان و دوایر دینی و مفتخوران این نهادها بالا کشیده اید.

حسن روحانی در شورای امنیت ملی گفته است: "اگر مشاغل و اصناف را تعطیل کنیم، چند وقت دیگر با اعتراضات خیابانی ۳۰ میلیون گرسنه روبرو خواهیم شد." قطعاً این طور است. و این یعنی جمهوری اسلامی به خاطر بقای سیاسی اش تصمیم گرفته است کارگران را به دم تیغ کرونا بسپارد. اما وقتی کرونا کارش را تمام کرد، پرونده جدیدی تحت عنوان کشتار به کمک کرونا به لیست جنایات شما حکام اسلامی اضافه خواهد شد و آنگاه جمعیتی حتی عظیم تر به سراغتان خواهند آمد. شما نه راه پیش دارید و نه راه پس!

*

روزمزد" اعلام کرده است و گفته است "برای مقابله با کرونا جان به نان نیاز دارد". البته بزعم رئیس جمهوری که شغلش پاسداری از سرمایه است، کارگران برای نان باید جان بدهند! می بینید که دک و پوز این طرح "هوشمندانه" به خون آغشته است. به خون همه انسانهایی که به خاطر نیاز جان ناگزیر شده اند به کار برگردند. حسن روحانی برای اینکه عمق کثافت و رذالت نهفته در "فاصله گذاری هوشمند" را ببینند چشم در چشم مردم می دوزد و می پرسد... برای کارگری که کار نکند، مزدی ندارد و پولی برای تأمین غذای شب ندارد، برای او چه باید بکنیم؟

پاسخ کارگران در مقابل این خزعبلات روشن است: مزدهایی را برگردانید که چهل و یک سال تمام از جیب کارگران زده اید؛ نان هایی را برگردانید که از سفره کارگران کش رفته اید؛ ثروت های نجومی حاصل کار و زحمت کارگران را که زیر عباي خامنه ای در "ستاد اجرایی فرمان امام" سر به بالای 90 میلیارد دلار زده است را به دست

پناهندگان مظلومترین قربانیان کرونا کاظم نیکخواه



از همین پناهندگان هستند و در معرض انواع آسیبها قرار دارند. توصیف وضعیت پناهندگان در مرزهای ترکیه و سوریه و یونان اینجا لازم نیست. همه در اخبار شنیده ایم و در فیلمها دیده ایم که چه تراژدی تلخ و تکان دهنده ای در جریان است.

پناهندگان از جنگ، از فقر، از سرکوب و زندان و از شرایط جهنمی کشورهای ترکیه و ایران و سوریه و عراق و غیره فرار کرده اند تا خود را

فورا گفته بود "به چه قیمتی؟!". یعنی آیا نجات جان میلیونها نفر با تعطیل کار و از دست رفتن سود سرمایه داران به صرفه است! این مکالمه ساده، به هرکسی نشان میدهد که فقط آخوندها و آقازاده های میلیاردر و مفتخور در ایران نیستند که برای زندگی و مرگ انسانها نیز چرتکه می اندازند و حساب سود و زیانشان را میکنند. بلکه سرمایه دار اساسا به سود و

آنها قربانی شده اند و در هیچ آماری شمار آنها ثبت نشده است. حتی آنها را عددی هم حساب نمیکنند که مرگشان را اعلام کنند. خوشبخت ترین هایشان آنهایی هستند که در مرزها اسیر نیستند و در شهرهایی در ترکیه و ایران و عراق، آلونک و سر پناهی دارند. اما آنها هم بدون تامین در گرسنگی و محرومیت رها شده اند و با بحران کرونا و ممنوعیت رفت و آمد و کار، حتی روزنه های کار سیاه



پول و حسابهای بانکی اش می اندیشد و بس. از همینجا روشن است که ما با چه موجوداتی در سراسر دنیا طرف هستیم و پناهندگان قربانی چه کسانی هستند. تنها راه، خلاص شدن از دست همین یک درصد انگل و بی خاصیت و از خود راضی است. اما این متأسفانه برای پناهندگانی که همین امروز در گوشه و کنار دنیا و در حاشیه مرزها اسیر رنج و عذابند، دلخوشی و راه نجاتی نیست. فقط میتوانیم درد را حس کنیم، برای آینده ای بهتر احساس امیدواری کنیم و خشم مان را به انرژی و حرکتی بهر شکل برای تغییر این اوضاع تبدیل نماییم.*

یعنی بردگی در خدمت سرمایه داران هم بروی آنها بسته شده است. شمار بسیاری از پناهندگان در این وضعیت در دام گرسنگی و فقر اسیر شده اند. تراژدی پناهندگان در این دوره یک لکه ننگ، یک صفحه شرم آور و سیاه در تاریخ سرمایه داری این قرن است که تنها و تنها به سود و ثروت اندوزی یک اقلیت ناچیز متکی است. این مفتخوران سرمایه دار حتی مرگ صدها هزار نفر از بیماران را یک گشایش اقتصادی به حساب می آورند. یکی از سناتورهای آمریکائی در جواب پزشکی که گفته بود با "لاک داو" یعنی تعطیل کار میلیونها نفر را میتوانیم از مرگ نجات دهیم

به جایی امن برسانند. از حکومتهایی مثل حکومت اسلامی ایران و دیکتاتوری بشار اسد و امثال این جانوران درنده فرار کرده اند. اما بسیاری از آنها در وضعیتی به مراتب بدتر گیر افتاده اند و راه پس و پیش ندارند. خیلی هایشان امکان عملی بازگشت ندارند چون دستگیر و زندانی میشوند و خیلی هایشان راه بازگشت برایشان بسته است. در کمپهای پر از جمعیت و بدون امکانات و بدون دارو و امکانات و بهداشت، این پناهندگان اکنون بدون هیچ حفاظی رها شده اند تا با بیماری کرونا بیمار شوند و بمیرند. هیچ تردیدی نباید داشت که تا هم اکنون نیز بسیاری از

زندگی بخش زیادی از این مردم است. هزاران کودک بدون پدر و مادر و پناهگاهی در معرض اقسام آسیبهای اجتماعی قرار دارند که مورد تجاوز جنسی قرار گرفتن ساده ترین آنهاست. حتی دزدیده میشوند و به گرگهای درنده پولدار برای بردگی جنسی فروخته میشوند. و... اکنون بحران کرونا به همه این بلاها و دردهای تاکنونی افزوده شده است. در مورد داستان زندگی هر کدام از پناهندگان میشود کتابها نوشت و روزی این کتابها نوشته خواهد شد و همه ما را که دیدیم و سکوت کردیم شرمند خواهد کرد.

در کشورهای ترکیه، ایران، یونان، سوریه و عراق و برخی کشورهای دورتر بدرجات مختلفی تراژدی پناهندگی دارد یکه تازی میکنند و زندگی ها را به جهنم تبدیل میکند و نابود میکند. گزارشها همین روها از این حکایت دارد که در ایران پناهندگان افغانستانی را حتی وقتی که بیمار و در معرض مرگ هستند به بیمارستانها راه نمیدهند. مردم ایران هم که خود زیر فشار فقر و بیماری و هزار مشکل دیگر قرار دارند کاری برای آنها نمیتوانند بکنند. بسیاری از کودکان کار

داستان پناهندگی در این دوره یک تراژدی عظیم انسانی، یک داستان بسیار دردناک و تلخ است. این تراژدی را تاریخ در کارنامه دولتها و کل نظام غیر انسانی سرمایه داری حاکم بعنوان یک لکه سیاه ثبت خواهد کرد. دردناک اینست که ما مردم که قلبمان از این تراژدی بدر می آید جواب فوری ای برای آن نداریم. میدانیم که مقصر کیست اما اهرمی را در دست نداریم و نمیدانیم همین امروز برای صدها هزار پناهنده افغانستانی و سوری و ایرانی و عراقی که در اردوگاههای مرگ فشرده شده اند چه میتوانیم بکنیم. این تلخترین جنبه این ماجراست که برای کودکان و زنان و مردانی که جلوی چشمشان دارند شکنجه و نابود میشوند، کاری نمیتوانید بکنید. میلیونها نفر در شرایطی غیر قابل تحمل سرگردان و آواره رها شده اند و هرروز صدها نفر در دریاها یا در کوهها و صخره ها به نحوی فجیع قربانی میشوند. آوارگی و بی تامینی و محروم بودن از ابتدایی ترین امکانات و شرایط ساده زندگی نظیر آب خوردن و کفش و لباس، نیز خود یک تراژدی در

**دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، بدون خطر سوسیالیسم،
به چه منجلا بی بدل میشود! «منصور حکمت»**

دستور العملی برای روز جهانی کارگر

- اول مه روز جهانی کارگر که اساساً روز به چالش کشیدن ستم و بربریت سرمایه داری است، در شرایط امروز که بشریت در تمام جهان با اپیدمی کرونا دست و پنجه نرم میکند، جایگاه و معنای ویژه ای دارد. اول ماه مه کیفرخواستی علیه سرمایه داری و توحش و بردگی آنست. در ایران محور آن اساساً کیفرخواست علیه جمهوری اسلامی و جنایاتش و تعرض علیه نظم سرمایه داری و تبلیغ آلترناتیو سوسیالیستی است. بر این اساس دو نکته زیر محوری است:

۱- با توجه به بحران کرونا که امکان تجمع و راهپیمایی و مارش وجود ندارد، با استفاده از مدیای اجتماعی باید روز جهانی کارگر را هرچه قدرتمند و پرسر و صداتر برپا داشت. امروز در سطح جهانی گفتمان‌ها بر سر برگزاری اول مه بصورت آنلاین در سطح بین‌المللی است. در ایران نیز میشود همراه با تمام کارگران در سطح جهان اول مه را در گروه‌های هزاران نفره خود گرامی بداریم و این روز را به روز اعتراض بزرگ و سراسری خود تبدیل کنیم.

۲- مضمون تبلیغات و پیامها و بیانیه‌ها اساساً باید حول دو نکته باشد: اول بحران کرونا و افشای نظام سرمایه داری و دولتهای سرمایه داری حول این امر. بویژه در ایران مسئولیت مستقیم حکومت در

ایجاد بحران باید برجسته بشود. دوم مقابله با حکومت برای تامین معیشت و سایر مطالبات سیاسی و اقتصادی مردم.

در چه اشکالی میتوان روز جهانی کارگر را گرامی داشت

- تبلیغات برای برگزاری روز جهانی کارگر بسیار مهم است و از هم اکنون باید دست به کار شد. تلگرام و اینستاگرام و طوفان‌های تویتری ابزارهای کارآیی برای این کار است. از این طریق میتوان خواستها، قطعنامه‌ها، بیانیه‌ها، کلیپ‌های تصویری و صوتی و گفتمان‌های خود را مطرح کرد و برگزاری یک اول مه بزرگ و سراسری را تدارک دید.

- تدارک هشتگ‌های ویژه اول مه و تهیه پست‌های مناسب برای این هشتگ‌ها و پمپاژ در مدیای اجتماعی یک اقدام تبلیغی موثر برای تدارک مراسم روز جهانی کارگر است. - از هم اکنون باید با تهیه کلیپ‌های تصویری و صوتی به استقبال اول مه رفت. کلیپ‌های یک دقیقه‌ای کوتاه که شروعی برای کارزار ما برای رفتن بسوی یک اول مه بزرگ و قدرتمند باشد. کلیپ‌های اول مه را میتوان در گروه‌های مختلف تلگرامی و اینستاگرام پخش کرد.

- هم اکنون روزهای پنجشنبه در بسیاری از کشورها مردم با آمدن بر روی بالکن‌ها و کف زدن و پخش موزیک همبستگی خود را با کادر درمانی و در واقع در اعتراض به ناتوانی دولتهای سرمایه داری در مقابله با بحران کرونا به نمایش

میگذارند. این حرکت اعتراضی در ایران که حکومت اسلامی خود اشاعه دهنده این بیماری مرگبار است پر رنگ تر میشود و هم اکنون در جاهایی به راه افتاده است. میشود به مناسبت روز جهانی کارگر یکی از این برنامه‌ها را با گرامیداشت این روز جهانی و همبستگی با پرستاران و کادر درمانی در هم آمیخت. فریاد زنده باد پرستاران، زنده باد اول مه میتواند پیام این حرکت باشد.

- امسال در کف خیابان نمیشود تجمع و یا راهپیمایی کرد. اما تجمعات بزرگ اول ماه مه را باید از فراز دیوارهای قرنطینه کرونایی بیرون بکشیم. میتوان اول مه را در مدیای اجتماعی و گروه‌های مبارزاتی هزاران نفره کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و بخشهای مختلف در تلگرام برپا کرد. این گروه‌ها میتوانند ساعت حضور در گروه خود را به مناسبت روز جهانی کارگر از قبل اعلام کنند. آنرا وسیعاً تبلیغ کرده و همگان را به شرکت در مراسم دعوت کنند. در همین گردهمایی‌های اینترنتی است که می‌توان حول قطعنامه‌هایی که از پیش تدارک دیده شده است به توافق رسید و سپس آنها را انتشار داد. و در این برنامه افرادی میتوانند سخنرانی‌های کوتاه چند دقیقه‌ای داشته باشند و...

برنامه برگزاری اول مه بصورت آنلاین، میتواند بصورت حرکتی مشترک از سوی گروه‌های مختلفی از کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان شکل گیرد و



بیش از بیش مقابل چشم همگان گذاشته است. در ایران جمهوری اسلامی نه در مقابل کرونا بلکه در کنار آن ایستاد و خود عامل اشاعه آن شد و مردم را به کشتن داد. در برابر حکومتی که خود اشاعه دهنده کرونا است، خشم و نفرت عمیقی تمام جامعه را گرفته است و مردم در تقابل با کرونا در جنگ با حکومت نیز هستند. در عین حال بحران کرونا ضربه محکمی به ریشه‌های مذهب و خرافه زده است. نتیجه اینکه امروز در ایران سرمایه داری با تمام ارکانش به چالش کشیده میشود. این اوضاع در ایران تاثیر خود را بر اول ماه مه امسال و فضای تعرضی کل جامعه میگذارد. بدین ترتیب یک محور اعتراض کارگران و مردم در ایران به مناسبت اول مه کیفرخواست علیه رژیم جنایت و سرکوب و زیر حمله قرار دادن تمام ارکان حاکمیت این رژیم و برجسته کردن آلترناتیو سوسیالیستی در مقابل جامعه است. و این تم اصلی اول مه امسال در ایران است.

کمیته سازمانده حزب
کمونیزست کارگری ایران
شهلا دانشفر
28 فروردین 1399

ادمین‌های این گروه‌ها بعنوان کمیته برگزار کننده مراسم روز جهانی کارگر کار کنند و تدارک ببینند. - قطعنامه‌های اول مه را میتوان به زبان انگلیسی ترجمه کرد و صدای اعتراض خود را به جهانیان رساند. - بیانیه‌های مشترک کارگران و بخش‌های مختلف کارگری. کارگران با بیانیه‌های کوبنده و مشترک خود که نمایشگر صف متحد مبارزاتی شان باشد و امضاهای هر چه بیشتری در زیر آن آمده باشد، کیفرخواست خود را علیه سرمایه داری و جنایت‌هایش اعلام کنند. اول ماه مه امسال باید کیفرخواستی برای جارو شدن کل بساط توحش و بربریت حکومت اسلامی سرمایه داری باشد.

- بزرگداشت پرستاران و کارگران بیمارستان‌ها بعنوان مبارزان خط اول جنگ با کرونا و رژیم کرونا، و دفاع از خواسته‌های آنها باید یک محور مهم پیامها، بیانیه‌ها، تراکتها و کلیپ‌ها و تبلیغات ما برای روز جهانی کارگر باشد. اول مه امسال در ایران و در جهان روز بزرگداشت و برجسته کردن پرستاران و کارگران خدمات درمانی است.

بحران کرونا ضدیدت سرمایه داری با انسان و ناتوانی آنرا را

**برای برپائی و ساختن جامعه‌ای شاد و مرفه به
حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید.**

بحران کرونا و اهمیت خواست تامین معیشت همگانی

حکومتی پیش بینی میکنند. از جمله آقای کیسینجر که یک نظریه پرداز و استراتژیست بورژوازی نه فقط آمریکا بلکه همه جهان است پیش بینی کرده است که "جهان با بی ثباتی و ناآرامی های سیاسی - اجتماعی وسیعی روبرو خواهد شد". منظورشان اینست که جامعه دیگر تحملش تمام شده و توجیهات و تبلیغات دولتها را دیگر توده مردم قبول نمیکند. بحران کرونا این واقعیت را در برابر چشم همگان قرار داده است که نظام سرمایه داری حتی قادر به نجات جان انسانها از یک بیماری قابل پیش بینی و پیشگیری نیست و ازینرو دیگر نظرات و سیاستهای نظیر ریاضت کشی اقتصادی و سفت کردن کمریندها و اتکا به قانون رقابت و مکانیسمهای بازار آزاد برای تنظیم و اداره اقتصاد و غیره در افکار عمومی و در نزد توده مردم اعتباری ندارد. بدنبال بحران کرونا دوره ای از جنبشها و خیزشها و

اعتراضات توده ای را در پیش داریم. اینکه تا چه حد این مبارزات پیش میرود و به فرجامی میرسد تماما به عملکرد نیروهای سیاسی و احزابی مثل حزب ما بستگی دارد. احزاب و نیروهای انقلابی که بتوانند این اعتراضات را سازمان بدهند و به صدا و نماینده آن تبدیل بشوند. در جامعه ایران این نقشی است که حزب ما ایفا میکند و امیدوارم در کشورهای دیگر هم چنین نیروها و احزابی فعال شوند و این خط را به پیش ببرند.

انترناسیونال:

اجازه دهید در سؤال آخر به شرایط ویژه ایران بپردازیم. جمهوری اسلامی همیشه با بحران اقتصادی روبرو بوده است و بویژه امروز در اثر بحران کرونا وضعیت اقتصادی بمراتب وخیم تر از گذشته شده است. جایگاه طرح خواست تامین معیشت همگانی در چنین شرایطی چیست؟ آیا جمهوری اسلامی با توجه به بحران مزمن اقتصادی که با آن دست بگریبانست میتواند چنین سیاستی را در پیش بگیرد؟

حمید تقوائی: روشن

است که جمهوری اسلامی کمتر از هر حکومت دیگری متمایل به چنین سیاستی است. ولی میتوان و باید خواست تامین معیشت را به حکومت تحمیل کرد. شرایط ایران از دو نظر ویژه است اول اینکه جمهوری اسلامی یکی از ارتجاعی ترین و هارترین حکومتهای سرمایه داری دوران ما است. سابقه چهل سال دزدی و فساد و سرکوبگری و جنایت این حکومت بر همه آشکار است. و در همین بحران کرونا همه مشاهده کردند که چطور حکومت اسلامی بعنوان عامل اشاعه و پروس در ایران عمل کرد و هنوز هم به اقدامات جنایتکارانه اش ادامه میدهد. اما این تنها ویژگی شرایط سیاسی در ایران نیست. ویژگی دیگر این است که جامعه مدتهاست کمر به سرنگونی حکومت بسته است و در همه عرصه ها در مقابل دزدان و جنایتکاران حاکم ایستاده است. فراموش نکنیم که بحران کرونا در ادامه خیزش توده ای آبان و دیماه علیه کل نظام جمهوری اسلامی و بدنبال رسوائی جهانی حکومت بعد از کشتار آبانماه و شلیک عمدانه به هواییهای

مسافربری اوکراینی شکل گرفت. بحران کرونا گرچه عملا از اعتراضات و تظاهرات خیابانی جلوگیری کرد اما در خواست و اراده و عزم مردم برای سرنگونی حکومت خللی وارد نکرد. بر عکس فاجعه کرونا و عملکرد جنایتکارانه حکومت در اشاعه این بیماری مهلک بر خشم و نفرت مردم از حکومت اسلامی افزود. مردم، پزشکان و پرستاران و نهادهای خودیاری مردمی در شهرها و محلات، خود آستین بالا زده اند، به کمک مبتلایان به این بیماری میشتابند و برای جلوگیری از شیوع بیشتر این بیماری تلاش میکنند. و در این حرکت هر وز باید با مانع تراشی ها و اقدامات ضدانسانی حکومت مقابله کنند. این نهادها و تشکلهای میتوانند پیشقرالان و نطفه های نهادها و تشکلهای وسیع تر مبارزه در فردای بحران کرونا باشند.

در این شرایط یک نیازمزم و فوری مردم تامین معیشت است. هم اکنون در افکار عمومی و در مدیای اجتماعی این گفتمان وسیعا مطرح است که بدون تامین معیشت قرنطینه ممکن نیست. جامعه ناگزیر نیست بین قرنطینه یا تامین معیشت، بین مرگ در اثر بیماری یا مرگ در اثر گرسنگی، یکی را انتخاب کند. راه حل واقعی تامین معیشت همه شهروندان بوسیله

دولت است. این خواست پایه ای است که زیر چتر آن باید پرداخت حقوق پایه، افزایش دستمزدها در سطح خط رفاه، بیمه بیکاری، بهداشت و درمان رایگان، و غیره را مطرح کرد. باید به جنبش توده ای گسترده حول خواست تامین معاش عمومی شکل داد. واقعیت اینست که در جامعه ایران باندازه کافی ثروت و امکانات مادی برای تامین معیشت همگانی وجود دارد. با بخشی از میلیاردها دلاری که صرف ارگانهای سرکوب حکومتی و حمایت از نیروهای جنایتکار اسلامی در منطقه و دم و دستگاه خرافه پراکنی مذهبی میشود، و با ثروت هنگفتی که در حساب بیت رهبری و آیت الله های میلیاردر و آقا زاده هایشان و نهادهای نظیر بنیاد مستضعفان و ستاد اجرایی فرمان امام و آستان قدس رضوی و غیره انباشته شده است، میتوان شرایط معیشتی و رفاهی ای منطبق بر استانداردهای امروزی برای همه مردم ایران فراهم کرد. خواست تامین معیشت همگانی خواستی بر حق و انسانی و کاملا عملی است. در اینجا هم باید گفت اگر جمهوری اسلامی نمیتواند این خواست را عملی کند باید گورش را گم کند. بر افراشتن پرچم تامین معیشت همگانی خود یک عرصه مهم مبارزه برای بزیر کشیدن حکومت دزدان و جانیان اسلامی در ایران است.*

۱۵ آوریل ۲۰

جمهوری اسلامی و شورش ۳۰ میلیون گرسنه

مختلف شکل گرفته است را باید تقویت کرد و شبکه های بیشتری باید سازمان داد. این شبکه ها امروز نقش همیاری دارند و فردا به هسته های سازماندهی نیروی وسیعتری در شهر و محل کار خود تبدیل میشود. شبکه های همیاری امروز نیز در حالیکه مشغول سازماندهی حمایت مردم از کادر درمانی و کودکان کار و خیابان و بخش های فقیر مردم هستند، در عین حال باید با خواست های روشن برای تامین

معیشت همه مردمی که زیر خط فقر زندگی میکنند، با بیانیته ها و طرح مطالبات روشن توجه جامعه را به خود جلب کنند و این مطالبات را به گفتمانی هرچه وسیعتر در جامعه تبدیل کنند. جامعه باید یکپارچه برای تامین خواست های خود و همزمان برای تامین سلامت خود، در مقابل یک درصدی های حاکم قد علم کند. دولت موظف است چه در دوره کرونا چه بعد از آن برای تمام مردمی که نمی توانند معاش خود را تامین کنند یک در آمد ماهانه پایه اختصاص دهد تا همه بتوانند نیازهای اساسی خود را برآورده کنند. این حق مردم است و منابعش در

دست مفتخوران است. تاوان اقتصاد ورشکسته و چهل سال دزدی و سیاست های ضد مردمی حکومت را مردم نباید بدهند. باید گفتمان تامین معیشت در هر شرایطی را هرچه بیشتر توده ای کرد، هزاران میلیارد دلار ثروتی که در دست مفتخوران به ضرب هزاران جنایت جمع شده است و ثروت عظیمی که صرف مذهب و سرکوب و گروههای اسلامی میشود باید صرف نیازهای مردم شود. اینها را باید به گفتمان تبدیل کرد. نفس شکل گیری گفتمان حول هم سلامت مردم در دوره کرونا و هم تامین معیشت مردم، جامعه را در مقیاس بزرگی علیه

مفتخوران یکپارچه میکند، جلو میآورد و به نیروی عظیمی تبدیل میکند. اعتصاب کارگران و کارکنان ادارات و ارگانهای مختلف، خالی کردن پادگان ها توسط سربازان، بلند کردن پرچم آزادی کلیه زندانیان، نپرداختن قبض های آب و برق و گاز و بدهی های بانکی ابزار مردم برای تحمیل خواست های خود به حکومت

است. حکومت بشدت از دورنمای اعتراضات مردم وحشت دارد. میداند که راهی برای جلوگیری از آن و مقابله با آن ندارد. بر متن چنین شرایطی باید چنان خود را متشکل و یکپارچه کنیم که در پایان بحران کرونا اثری از حکومت فاسد اسلامی و نظام نکبت بار سرمایه داری نیز نماند.*

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: مراد شیخی

www.anternasional.com

اعدام یک زندانی سیاسی با همدستی حکومت اقلیم و جمهوری اسلامی

تروریسم در عراق و کردستان هستند. در مناطق اتحادیه میهنی مانور نیروهای سپاه قدس از همه جا بیشتر است. آدم و عالم میگویند که اتحادیه میهنی بخشی و ارگانی از نیروهای سپاه قدس هستند. در مرزهای مشترک ایران و عراق بویژه در مرزهای مشترک کردستان سالانه چند میلیارد دلار بابت باجگیری و گمرک و مالیات توسط اتحادیه میهنی و اقلیم کردستان و با همکاری سپاه قدس و بورژواهای کرد از دسترنج مردم و بویژه کولبران سرمایه گذاری میشود. در یک کلام حکومت اقلیم کردستان و بویژه اتحادیه میهنی با اتکا به نیروهای سپاه قدس شریک جرم و همدست تمامی مصائب اقتصادی و اجتماعی و تروریسم مردم در کردستان عراق هستند.

تحویل دادن زندانی سیاسی محکوم به اعدام مصطفی سلیمی و حلق آویز کردن او در زندان سقز بر بستر همکاری های احزاب ناسیونالیست و بویژه اتحادیه میهنی با ج.ا قابل توضیح است.

کرونا: کمبود پرستار و اخراج پرستاران!

کردند که با خرافه و ورد خوانی و جن گیری، وانمود کنند که دارند با کرونا مبارزه میکنند. اما در این دوره بیش از هر وقت چهره کثیف خرافه و مذهب بعنوان ابزاری درد ست حکومت اسلامی برای سرکوب جامعه و چپاولگریهایش رو شد. وضعیت فاجعه بار بیمارستان ها و بخش درمانی گوشه دیگری از سیاستهای جنایتکارانه حکومت در قبال جان مردم را به نمایش

حکومت اقلیم کردستان نمونه ای برجسته و نفرت انگیز از حاکمیت و هژمونی احزاب قومی و ناسیونالیست، کرد است که کارش به تباهی کشاندن زندگی اجتماعی مردم و جامعه منجر شده است. در کردستان عراق بیکاری و فقر بیداد میکند و شکاف طبقاتی عمیقی ایجاد شده است. تعدادی از سران احزاب حاکم در قدرت، به ثروتهای نجومی رسیده اند. اینها در سایه تروریسم و نظم نوین و خونین جهانی بوش پدر و با سرکوب ارگانهای حاکمیت توده ای مردم، با سرکوب کمونیستها و زنان آزادیخواه، با سرکوب و ترور روزنامه نگاران و سلب آزادی های فردی، با همکاری دولتهای مرکزی در عراق، عربستان سعودی، ترکیه و ایران و دارو دسته های اسلامی، کردستان عراق را برای احزاب چپ و کمونیست، طرفداران برابری طلبی، کمونیستها، آزادیخواهان و احزاب مخالف و سرنگونی طلب و فعالین سیاسی مخالف ج.ا، به مکانی نامن و محل، پوز از ترس و مرکز تروریسم تبدیل کرده اند.

انترناسیونال: موضع رسمی حکومت اقلیم کردستان در رابطه با این اعدام چه بوده است. آیا رسماً موضعی گرفته اند؟

نسان نودینیان: حاکمان اقلیم کردستان فقط با فریبکاری و دیپلماسی سعی کردند موضوع را از سر خود باز کنند. آنها طی اطلاعیه ای نوشته اند: "در برخی از شبکه های اجتماعی سخن به میان می آید که مصطفی سلیمی اهل شهرستان سقز که به اقلیم کردستان پناه آورده بود، در مرز پنجوین توسط نیروهای آسایش اقلیم کردستان تحویل ایران گردیده است. اقلیم کردستان از این واقعه مطلع نبوده و اگر چنین اقدامی صورت پذیرفته باشد بدون اطلاع حکومت اقلیم کردستان بوده است در همین ارتباط، رئیس انجمن وزیران حکومت اقلیم کردستان دستور تشکیل هیئتی برای تحقیق در این مورد را صادر کرده است". آری. اینها دارند از زیر بار این جنایت با بازی با کلمات شانه خالی میکنند. آنها تحویل دادن مصطفی سلیمی را ضمنی و بسیار خجولانه تایید میکنند اما گناه آنرا به گردن عناصری خارج از حکومت می اندازند. این نوع اطلاعیه دادن ها "بازی های سیاسی و دیپلماسی" ویژه احزاب ناسیونالیست، کرد است که ذره ای شرافت انسانی و عدالتخواهی در آنها دیده نمیشود.

انترناسیونال: آیا حزب

دمکرات کردستان ایران در این زمینه موضع گرفته یا توضیحی داده است؟

نسان نودینیان: حزب دمکرات کردستان ایران ضمن محکوم کردن اعدام مصطفی سلیمی، عملاً در ارتباط با رفتار غیر مسئولانه حکومت اقلیم کردستان و بویژه اتحادیه میهنی سکوت کرده و در چارچوب "بازی" سیاسی و دیپلماسی حکومت اقلیم کردستان موضعگیری کرده است این حزب طی اطلاعیه ای نوشته: « بعد از اعدام یکی از زندانیان متواری از زندان سقز به نام "مصطفی سلیمی" شماری از افراد و رسانه های حزبی هر کدام به تعبیر خویش به این مسئله پرداخته اند، لذا برای تنویر افکار عمومی از سوی حزب دمکرات کردستان ایران اعلام می نمایم: نخست: اعدام "مصطفی سلیمی" زندانی کورد را از سوی رژیم جمهوری اسلامی ایران شدیداً محکوم می کنیم، دوم: اینکه وی چگونه دوباره دستگیر شده است با توجه به اینکه نامبرده هیچگونه ارتباط سازمانی با حزب دمکرات نداشته است، روشن نیست اما اینکه حکومت اقلیم کردستان برای شفاف سازی این مسئله هیئتی ویژه را مسئول قرار داده است، آن را اقدامی مثبت

ارزیابی کرده و امیدواریم تحقیقات این هیئت، حقیقت مسئله را روشن نماید. «اولاً مصطفی سلیمی تا سال ۱۳۷۰ در حزب دمکرات کردستان ایران عضویت داشته است. دوما بنا به شواهد و اسنادی که در میدیای اجتماعی منتشر شده است تعدادی از کادرهای این حزب از قصد آمدن مصطفی سلیمی به کردستان عراق اطلاع داشته اند، و البته این حزب میداند که مصطفی سلیمی زندانی سیاسی محکوم به اعدام و فراری از زندان های جمهوری اسلامی است. این حزب از تمام این فاکتورها و بویژه فرار زندانیان سیاسی و ضرورت حمایت از آنها موضعی مزورانه گرفته و عملاً در ادامه موضعگیری های حکومت اقلیم کردستان با آنها هم کاسه شده است. در این رابطه ما مردم آزادیخواه در کردستان عراق و ایران را به محکوم نمودن جمهوری اسلامی بخاطر این جنایت و اعتراض علیه رفتار ضد انسانی حکومت اقلیم کردستان و اتحادیه میهنی فرا میخوانیم.*

انترناسیونال:

با سپاس از شما

متحدانه و قدرتمند به میدان آییم. بساط جانینان اسلامی را باید جارو کرد.*

مرگبار است، در سطح سراسری شکل میگیرد. با حمایت وسیع خود از پرستاران و خواستهایشان،

درمانی قرار گرفته و در این بستر دارد صفی از اعتراض در مقابل با حکومت اسلامی که خود اشاعه دهنده این بیماری

میگذارد. جانینان اسلامی و سرمایه داران مفتخور جنایتکار در پشت بحران کرونا نیز بدنبال اهداف سودجویانه و چپاولگری های خود هستند. در این میان پرستاران در صف مقدم جبهه جنگ با بیماری مرگبار کرونا قرار داشته و در این نبرد هرگونه خطری را به جان خریده و برای نجات جان انسانها تلاش میکنند. این پرستاران با حمایتی اجتماعی از سوی مردم روبرو شده است. امروز مردم با به میدان آمدن با ستادهای خودیاری شان در کنار پرستاران و کادر

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس: 11766
پولاریزاسیون: عمودی
سیمبل ریت: 27500
آف ای سی: 5/6



برای نجات جان خود و دیگران، مردم سرکار نروید!



باید دولت را مجبور کنیم مسکن، درمان، معیشت و رفاه تک تک شهروندان را در دوره بحران کرونا تامین و تضمین کند!

بعد از بحران کرونا هم امری حیاتی است. حداقل دستمزد رسمی در ایران چهار بار زیر خط فقر است و درآمد بیکاران و بازنشستگان حتی از این هم کمتر است. از همین رو ما به همراه همه کارگران و مردم کارکن برای افزایش چندین برابری دستمزدها به بالای خط فقر، پرداخت بیمه بیکاری مکفی و افزایش حقوق بازنشستگی، و پاپای آن پرداخت حقوق پایه تلاش و مبارزه میکنیم. پرداخت این مقرری ثابت ماهانه باید ساده و آسان باشد و شهروندان را برای دریافت آن دچار شرمندگی و توضیح و گذر از هفتخوان رستم و دردسر نکند.

ما همچنین بر چند خواست مهم دیگر که مستقیماً به وضعیت معیشتی توده مردم مربوط میشود تاکید میکنیم. بهداشت و درمان باید تماماً رایگان باشد. این بخصوص در شرایطی که مردم با یک بیماری مسری دست و پنجه نرم می کنند و بسیاری توانایی پرداخت هزینه های درمانی را ندارند بسیار مهم است که بلافاصله باید به مورد اجرا گذاشته شود. یک خواست دیگر این است که مردم در این شرایط سخت از پرداخت هزینه های آب و برق و گاز معاف شوند. کار در مراکز تولیدی (بجز بخش هایی که در شرایط کنونی حیاتی است) باید تماماً متوقف شود و همه کارکنان از مرخصی با حقوق برخوردار شوند. دولت موظف است با تخصیص بودجه لازم حقوق کارگران و کارکنانی که مجبور به قرنطینه هستند را بدون هیچ اما و اگری تامین کند.

اینها همه شدنی است اگر منابع و ثروت جامعه به جای اینکه صرف تقویت فعالیتهای تروریستی جمهوری اسلامی

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران در مورد حق معیشت دولت موظف است معیشت همه شهروندان را تامین کند

خود را تامین کنند یک درآمد ماهانه پایه اختصاص دهد تا همه بتوانند نیازهای اساسی خود را برآورده کنند. هیچ شهروندی نباید با گرسنگی دست و پنجه نرم کند و یا نگران گرسنه ماندن و بیماری و مشقات ناشی از فقر و بی تاملی باشد. این حق انسانی همه احاد و افراد جامعه است که زندگی شان در هر شرایطی تامین باشد. این وظیفه دولت است که هر چه زودتر با تخصیص منابع و ثروت جامعه معیشت مردم را تامین کند.

تامین معیشت شهروندان و مقرر کردن یک درآمد پایه برای همه کسانی که فاقد درآمد و یا کم درآمد هستند صدقه و خیرات نیست، یک حق انسانی است. تامین معیشت شهروندان با "بسته حمایتی" بیشرمانه جمهوری اسلامی یعنی پرداخت ماهانه ۲۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان برای تنها سه میلیون از افراد جامعه و آنهم فقط برای چند ماه ممکن نیست. تامین معاش مردم قبل از هر چیز به این معناست که همه شهروندان فاقد درآمد و یا کم درآمد بلااستثنا از یک مقرری ثابت و مکفی بعنوان درآمد پایه برخوردار باشند تا بتوانند نیازهای اساسی زندگی خود را تامین کنند. این درآمد پایه باید بتواند هزینه های نظیر مواد غذایی، مسکن، لباس و کفش، هزینه های تحصیل از دوره ابتدائی تا دانشگاه، اوقات فراغت و تفریح، بهداشت و درمان، ترانسپورت و سایر نیازهای پایه ای شهروندان را بپوشاند. پرداخت حقوق پایه حتی

در دل بحران کرونا در ایران جنبشی حول تامین معیشت شکل گرفته است. شهروندان، با بلند کردن پلاکاردها و با کلیپها و هشنگ ها در مدیای اجتماعی، این خواست را مطرح می کنند که قرنطینه بدون تامین معیشت ممکن نیست و خواهان این هستند که زندگی و معیشت مردم که روزهای سختی را میگذرانند بوسیله حکومت تامین شود. حکومت هم بیشرمانه از این مسئولیت شانه خالی می کند و مردم را با فرستادن به سرکارهای خود به قتلگاه کرونا می فرستد. جمهوری اسلامی، دست در دست ویروس کرونا، به کشتار مردم مشغول است چرا که نمی خواهد برای زندگی مردم چه در مبارزه با این بیماری و چه در تامین معاش آنها هزینه ای صرف کند.

راه حل حکومت این است که اقتصاد را به قیمت کشتن مردم براه بیندازد. آن زمان نیز که اقتصاد جمهوری اسلامی بدون کرونا در حال "چرخش" بود، اکثریت مردمانی که چرخ این اقتصاد را به گردش در می آوردند چیزی جز فقر و نداری نصیبی نداشتند و امروز هم که این اقتصاد در اثر کرونا بیش از گذشته از کار افتاده است همین مردم باید تاوانش را بپردازند.

ما در مقابل این وضعیت اعلام میکنیم معیشت مردم در دوران کرونا و در هر شرایط دیگری بدون اما و اگر باید تامین شود. دولت موظف است در قبال شهروندان جامعه که به هر دلیلی معاش ندارند و نمی توانند معاش

داران و حاکمیت حاکمین بغایت فاسد و دزد است که تنها مشغله شان حفظ حاکمیت ضد انسانی خود و ارتزاق از خوان یغمائی است که بر سر آن نشسته اند. این حکومت باید سرنگون شود تا مردم به آزادی و رفاه اجتماعی دست یابند. اما ما می توانیم با بلند کردن پرچم تامین معاش و پرداخت کمک هزینه اجتماعی به همه کسانی که به آن احتیاج دارند راه سرنگونی این حکومت فاسد و جانی را هموار کنیم. هم اکنون در سطح جامعه نیز جنبشی بر سر زندگی و معیشت با گفتمان # قرنطینه بدون تامین معیشت ممکن نیست به راه افتاده است.

حزب تلاش میکند تا این جنبش را هر چه بیشتر تقویت و همه گیر کند. جمهوری اسلامی از آنچه که بعنوان "شورش گرسنگان" از آن یاد می کند بشدت در هراس و نگرانی است. بگذار در این شرایط سخت به حکومت نشان دهیم که ما نمی گذاریم جامعه به ورطه گرسنگی بیفتد و با چنگ و دندان از حق معاش و تامین زندگی مرفه برای همه افراد جامعه به دفاع برخوایم خاست.

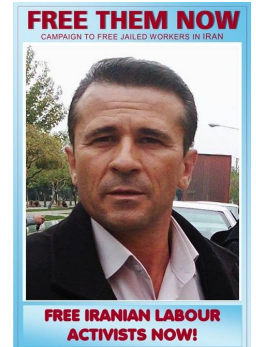
حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ فروردین ۱۳۹۹

۱۳ آوریل ۲۰۲۰

در سطح جهان و همچنین تقویت نیروهای بسیج و سپاه و دیگر ارگان های سرکوبگر و موسسات مذهبی و اشاعه خرافه و یا صرف دزدی و اختلاس توسط آیت الله ها و آقازاده ها شود، صرف نیازهای اساسی مردم شود. تحقق این خواستها شدنی است اگر ثروتهای جامعه و دسترنج کارگران و مردم زحمتکش بجای اینکه به جیب های گشاد دزدان حکومتی سرازیر شود در خدمت مردم به جریان بیفتد. بسیاری از این تامینات اجتماعی از سالها پیش در برخی کشورها به اجرا گذاشته شده است. آنچه که ما طلب می کنیم در واقع بخشی از ثروتی است که با عرق و رنج کارگران و مردم زحمتکش تولید شده است و حاکمان و اقلیتی مفتخور حاصل این زحمات را به تصاحب خود در آورده اند. در چهل سال گذشته شاهد بوده ایم که با سلطه مقامات و باندهای مافیائی حاکم بر اقتصاد و منابع ثروت جامعه، چگونه یک اقلیت ناچیز و مفتخور مدام پرورتر شده و مالتی میلیاردی شده اند، و اکثریت عظیم کارگران و توده مردم بیشتر و بیشتر به زیر خط فقر و شرایط فلاکتبار و غیرقابل تحمل اقتصادی رانده شده اند. اوضاع سخت معیشتی امروز مردم نتیجه مفتخوری و چپاول سرمایه

تشکیل پرونده جدید برای جعفر عظیم زاده و ادامه بازداشت او



در حالیکه بیماری مرگبار کرونا دامنه اش به درون زندانها کشیده شده است

«بیماری کرونا»
اطلاعیه شماره ۳۸
اعتراض به عدم تامین معیشت، علیه اخراج و علیه فقدان امکانات ایمنی

اعتراض دستفروشان به عدم تامین معیشت:
- روز ۲۵ فروردین جمعی از دستفروشان تهران در اعتراض به بیش از دوماه بی درآمدی بخاطر شرایط بحران

«بیماری کرونا»
اطلاعیه شماره ۴۱
چند خبر اعتراضی کارگری

دولت در قبال معیشت کل جامعه مسئول است
- روز سه شنبه ۲۶ فروردین بعد از روشن شدن ابتلای چند نفر از کارکنان ساختمان وزرای پتروشیمی به کووید ۱۹ کارکنان این شرکت در اعتراض به عدم تعطیلی موقت کار از طرف هلدینگ خلیج دست به تجمع زدند. بنا به خبر منتشر شده در ۲۷

جانان اسلامی از آزاد کردن زندانیان سرباز میزنند. همه زندانیان باید در این شرایط از زندانها آزاد شوند. جعفر عظیم زاده از چهره های سرشناس کارگری و رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران یکی از زندانیان سیاسی است که علیرغم مراجعات مکرر خانواده اش به آنها جواب نمیدهند و در آخر خبر روشن شده است، که جنایتکاران اسلامی نه فقط او را آزاد نمیکنند بلکه برای وی مجدداً از درون زندان پرونده سازی کرده و قرار است او را دوباره دادگاهی کنند. در این رابطه اکرم رحیم پور همسر جعفر عظیم زاده در در بیست و پنجم فروردین ماه در

اینستاگرام خود چنین مینویسد: "در حالی که چندین روز بی صبرانه منتظر آزادی جعفر بر اساس بخش نامه ریاست قوه قضائیه بودم بعدازظهر شنبه پیامکی به شرح زیر به گوشی ام آمد: آقای جعفر عظیم زاده پرونده شما به شماره ... و شماره بایگانی به شعبه ۲ بازپرسی (شهید مقدس امنیت) تهران ارجاع شد. یک لحظه شوکه شدم. منظورشان کدام پرونده است؟ بلافاصله با یکی از وکلای مجرب موضوع را درمیان گذاشتم، ایشان گفتند به نظر می آید پرونده ی جدیدی برای آقای عظیم زاده باز کرده اند تا مانع آزادی او بر اساس بخشنامه ریاست قوه

هستند که به دلیل اینکه هیچگونه بیمه و تامین اجتماعی ای برای اکثر بیکاران وجود ندارد، بناچار با امکاناتی بسیار محدود مشغول دستفروشی و انواع کارهای کم در آمد و پراکنده و بی تامین میشوند.

اعتراض به اخراج:
- روز شنبه ۲۳ فروردین کارگران اخراجی شرکت پخش فرآورده های نفتی ماهشهرکه تعدادشان به ۳۰ نفر میرسد،

انتظامی قصد داشت کارگران را به زور متفرق کند که منجر به درگیری مردم با ماموران نیروی انتظامی شد. ماموران نیروی انتظامی تلاش کردند تعدادی از این کارگران را بازداشت کنند و نگران از فیلم برداری از حرکت تلفن همراه یکی از کارگران را که مشغول فیلم برداری بود از او گرفتند. اما همانروز فیلم این حرکت اعتراضی توسط خود کارگران رسانه ای شد.
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ فروردین ۱۳۹۹
۱۶ آپریل ۲۰۲۰

قضائیه شوند. جنایت است. آزاد نکردن جعفر عظیم زاده و تشکیل پرونده قضایی دیگری برای او، آزاد نکردن زندانیان به معنای قرار دادن آنها در کام بیماری مرگبار کرونا ست. همراه با اکرم رحیم پور صدای جعفر عظیم زاده و همه زندانیان در بند باشیم. جعفر عظیم زاده باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود. صدای آنها را جهانی کنیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
شهلا دانشفر
<http://free-them-now.com/>
shahla.daneshfar2@gmail.com

برای دومین ماه پیاپی با خواست بازگشت به کار خود در مقابل انبارنفتی شرکت تجمع داشتند. به گفته کارگران آنها را از کار اخراج کرده اند تا به جای آنان افراد سفارش شده و خودی هایشان را جایگزین کنند.

اعتراض به عدم وجود امکانات ایمنی:
روز ۲۳ فروردین کارگران نانوائی های شهرستان آبدانان در استان ایلام نسبت به کار

Communist Youth Organization
سازمان جوانان کمونیست
www.cyoiran.com



قزوین ارسال شده و از آنها خواسته اند که خود را به بیمه بیکاری معرفی کنند. این در صورتی است که سال گذشته به آنها وعده داده شده بود که جذب سازمان راهداری شوند. کارفرمایان و پیمانکاران مفتخور برای اینکه هزینه ای بابت تعطیلی کار به کارگران نپردازند، قراردادهای کاری را لغو کرده و از بحران کرونا استفاده کرده سیاست بیکارسازی ها را تحت عنوان "تعدیل نیروی کار" دنبال میکنند.

روز ۲۵ فروردین کارگران شهرداری مریوان در ادامه اعتراضاتشان دست به تجمع زدند. این کارگران از دی ماه گذشته تا کنون مزد خود را نگرفته و عیدی و پاداش آخر سالشان نیز پرداخت نشده است. نگرانی دیگر آنها عدم پرداخت حق بیمه شان به حساب تامین اجتماعی است که باعث مشکلات درمانی آنها در این شرایط میشود.

روز دوشنبه ۲۵ فروردین ماه، شماری از

است.

روز ۲۷ فروردین کارگران مسجد سلیمان نسبت به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق، حق بیمه و عیدی و نداشتن ایمنی شغلی دست به تجمع زدند. به گفته کارگران حق بیمه کلیه کارکنان شهرداری مسجد سلیمان اعم از کارگری، کارمندی، رسمی، پیمانی و قراردادی با چندین ماه تأخیر و هرامه با کس و قوس های فراوان بدون پرداخت هیچ گونه مبلغی انجام میگردد و این موضوع باعث فشارهای زیادی بر زندگی این کارگران و بروز مشکلات بسیاری بویژه در حوزه درمان این کارگران شده است.

روز ۲۷ فروردین کارکنان اخراجی عوارضی های استان قزوین در ادامه اعتراضاتشان در مقابل سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای کشور تجمع کردند. بنا بر خبرها در چند روز گذشته پیامکی به ۵۱ نفر از کارکنان عوارضی های

«بیماری کرونا»

اطلاعی شماره ۴۰

بحران کرونا و اعتراضات کارگران به اخراجها و نپرداختن حقوق و بیمه

روز سه شنبه ۲۶ فروردین، صدها کارگر متقاضی "بیمه بیکاری" استان تهران در اعتراض به ثبت نشدن تقاضایشان از طریق آنلاین مقابل اداره کار این استان تجمع کردند. طبق اعلام دولت، بیکاران ناشی از بیماری کرونا که مشمول قانون کار و تامین اجتماعی می شوند، می توانند در سامانه بیمه بیکاری ثبت نام کنند. اما در عمل بسیاری از این کارگران موفق به ثبت نام برای گرفتن بیمه بیکاری نشده اند و هفته آینده نیز مهلت یک ماهه ثبت نام برای آن به پایان می رسد. دولت در قبال معیشت همه مردمی که در آمدی ندارند و یا درآمد آنها کفاف تامین زندگیشان را نمیکند، مسئول

اداره کار استان تهران و دادگستری مراجعه کرده و حکم بازگشت به کار گرفته اند. اما مدیران شرکت حمل و نقل بین المللی خلیج اجازه بازگشت به کار به آنها نداده اند و از ۹ ماه قبل تاکنون حقوق و حق بیمه آنها قطع شده است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ فروردین ۱۳۹۹
۱۵ آپریل ۲۰۲۰

کارگران اخراج شده شرکت حمل و نقل بین المللی خلیج با تجمع مقابل فرمانداری اسلامشهر نسبت به عدم پرداخت حقوق و حق بیمه اعتراض کرده و خواستار بازگشت به کارشان شدند. این کارگران از شهریور ۹۸ تاکنون هیچ گونه حقوقی دریافت نکرده اند و حق بیمه شان نیز پرداخت نشده است. کارگران اخراجی شرکت حمل و نقل بین المللی خلیج، پس از اخراج از این شرکت، به

و دستگیری مجدد به کردستان عراق رفت و در شهر پنجوین خود را به مقامات اتحادیه میهنی کردستان معرفی کرد. اتحادیه میهنی با قرارگاه رمضان وابسته به سپاه قدس تماس گرفت و با وجود اینکه میدانست تحویل دادن مصطفی سلیمی یعنی اجرای حکم اعدام او، بیشرمانه وی را تحویل جمهوری اسلامی داد. مصطفی حتی به آنها گفته بود شما مرا بکشید یا اجازه دهید خود را بکشم ولی به آنها تحویل ندهید اما اتحادیه میهنی، او را دست بسته تحویل جانپان اسلامی در ایران داد. حزب دمکرات کردستان نیز اعلام کرد که مصطفی در بانه دستگیر شده است تا اتحادیه میهنی را از مخمصه نجات دهد. سایر احزاب ناسیونالیست کرد نیز حاضر به محکومیت اتحادیه

نگران ابتلا به بیماری کرونا بودند و همانند صدها زندانی دیگر در زندان های دیگر جمهوری اسلامی تلاش کردند خود را نجات دهند و دست به شورش زدند. فیلم فرار این زندانیان در سطح بین المللی منعکس شد و نشان داد که حکومت در مقابل جان و امنیت صدها هزار زندانی با لاقیدی و جنایتکاری رفتار میکند و زندانیان برای نجات خود دست به شورش و فرار میزنند. شورش زندانیان در چندین زندان و فرار برخی از آنها شکنندگی حکومت را هم نشان داد. اقدام به فرار این زندانیان برای حکومت اسلامی و قوه قضائیه اش بسیار گران آمد و در سقز و در کردستان آماده باش داد و تلاش کرد زندانیان فراری را دستگیر کند. مصطفی برای فرار از اعدام

اعدام مصطفی سلیمی در سقز با همکاری اتحادیه میهنی کردستان عراق

مصطفی سلیمی روز ۲۳ فروردین در زندان سقز اعدام شد. جمهوری اسلامی روز ۲۲ فروردین به خانواده او آخرین ملاقات را داد و صبح روز بعد او را اعدام کرد. مصطفی سلیمی فعال سیاسی و عضو حزب دمکرات کردستان ایران بود. او به اتهام فعالیت مسلحانه و عضویت در یک حزب اپوزیسیون و "محرابه" به اعدام محکوم شد اما حکمش اجرا نشد و ۱۷ سال از زندگی اش را در زندان گذراند.

مصطفی سلیمی همراه با ۸۰ زندانی دیگر روز ۸ فروردین از زندان سقز فرار کردند. آنها

اتحادیه میهنی باقی نگذاشت.

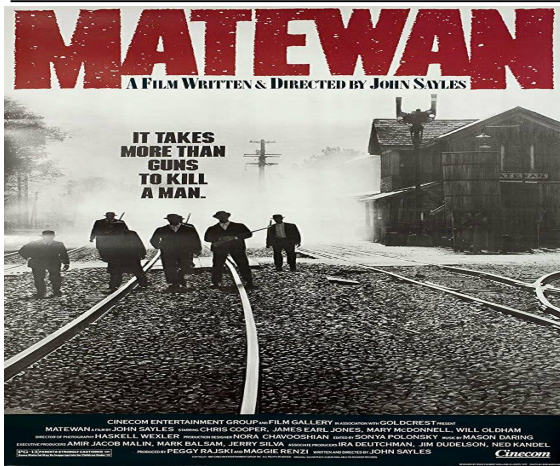
حزب کمونیست کارگری جمهوری اسلامی و همدستی اتحادیه میهنی کردستان عراق با بشدت محکوم کرده و صمیمانه به خانواده و دوستان مصطفی سلیمی تسلیت میگوید.

گرامی باد یاد مصطفی سلیمی زنده باد مبارزات مردم برای سرنگونی حکومت اعدام و جنایت اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران
فروردین ۱۳۹۹
۱۲ آوریل ۲۰۲۰

میهنی نشدند و از اقدام جنایتکارانه اتحادیه میهنی بعنوان عملی ناروا! اسم بردند. جمهوری اسلامی مصطفی را فوراً اعدام کرد تا قدر قدرتی خود را نشان دهد، اعدام کرد تا از فراریان زهر چشم بگیرد و بگوید هنوز میتواند بکشد و چند صباحی به عمر ننگین خود ادامه دهد. اعدام مصطفی سلیمی که حاصل همدستی کثیف اتحادیه میهنی و حکومت حریم کردستان عراق با جمهوری اسلامی بود، موجی از خشم و انزجار را در میان مردم سقز و مردم کردستان ایران و عراق دامن زده و اتحادیه میهنی را به انکار کشانده است. اما اسناد و مدارک و صحبت های آخر مصطفی سلیمی با خانواده اش تر دیدی در نقش جنایتکارانه

مطالب این صفحه از مادیای اجتماعی



در بخشی از فیلم، مادر یکی از جوانانی که توسط ارادل و جنایتکاران مدیریت به قتل می‌رسد، در مراسم دفنش می‌گوید: "فقط می‌خواست یک زندگی انسانی داشته چنان Matewan باشد." فیلم دیدنی است که بیننده، بخصوص اگر کمی با مسائل و تاریخ مبارزاتی کارگران آشنا باشد، صحنه به صحنه اشک شادی و غم بر صورت بیننده جاری می‌کند.*

(Matewan) آورده بودند، این فیلم را فوق العاده جذاب می‌کند. بخش جذاب دیگری از فیلم، پرداختن به نقش جاسوسان و نقشه‌های کثیف مدیریت است که کارگران و فعالین کارگری با درایت و هوشیاری آنها را نقش بر آب می‌کنند. فیلم همچنین همدستی مقامات مختلف از دولتهای محلی، ایالتی و فدرال با رؤسای معدن را به خوبی به تصویر می‌کشد.

گرفته از مبارزات کارگران معدنکار اعضای "اتحادیه معدنکاران آمریکا (UMWA) هستند که هنوز هم یکی از اتحادیه‌های رادیکال است.

فیلم Matewan که در سال ۱۹۸۷ ساخته شده است داستان مبارزه کارگرانی است که به تازگی موفق شده‌اند اتحادیه خود را سازمان دهند و در مقابل کارشکنی و جنایات رؤسای معدن می‌ایستند. داستان فیلم اما تنها به مبارزه معدنکاران با مدیران خلاصه نمی‌شود. نقش خانواده‌های کارگران در این مبارزه، نقش فعالین و رهبران کارگری در متحد کردن کارگرانی که رؤسای معدن برای شکستن اعتصاب از ایتالیا و همچنین کارگران سیاهپوستی که از ایالات جنوبی آمریکا به این شهر

اول هم که دیدم، یک نقد کوتاهی رویش نوشته بودم. این نقد را اینجا دوباره انتشار می‌دهم. ***

در آخرین روزهای سال ۲۰۱۵ بالاخره تصمیم گرفتم که دو فیلم دیدنی و الهام گرفته از اعتصابات تأثیرگذار معدنکاران آمریکا را ببینم. فیلم‌های Matewan (میت وان) و Salt of the earth (نمک زمین).

در عرصه ادبیات، در میان کوهی از رمان، فیلم، تئاتر، نقاشی، شعر و غیره که به مبارزات کارگران پرداخته باشند به ندرت به رمان و یا فیلمی که ارزش دیدن و یا خواندن داشته باشد برخورد می‌کنیم. دو فیلم فوق از دیدنی ترین فیلمهایی هستند که یک علاقمند به مسائل کارگری می‌تواند ببیند. داستان هر دو فیلم الهام

"فقط می‌خواست یک زندگی انسانی داشته باشد"

ناصر اصغری



دوره قرنطینه ویروس کرونا، دوره ای است که بعضا آدم وقت می‌کند آنچیزهایی را که دوست داشت انجام دهد، اما وقت نداشت، به بعضی از آنها برسد. مثل خواندن کتاب، تعمیر آن قسمت خانه و دیدن فلان فیلم و امثالهم. یکی از فیلم‌هایی که سالها پیش دیده بودم، فیلم Matewan (میت وان) بود. چند روز پیش بار دیگر رفتم سراغ آن؛ و همان



ناتوانی سرمایه داری که راه حلی برای آن ندارد و عامل اصلی مشکل در ماهیت و ساختار سرمایه داری است؛ توجه‌ها بار دیگر بیش از پیش به مارکس جلب شده است. اینکه باید معادلات موجود را به جای سود و سرمایه بر انسان و انسانیت بنا نهاد و این جهان واژگون را بر قاعده اش نشانند.

سازمان جوانان کمونیست

Communist Youth Organization

مارکس برگشته است

شده است. در شرایطی که عرضه و تقاضا بسیار کاهش یافته است و هشدارها درباره بیکاری گسترده و فقر اکثریت انسان‌ها با ادامه این روند به گوش می‌رسد. اما در مواجهه با بحران‌ها و

مارکس برگشته است صفحه اول یک مجله اقتصادی در آلمان نوشته است: مارکس برگشته است. با عمیق شدن بحران کرونا و تعطیلی چرخه تولید سرمایه داری برای آینده خود نگران



لابراتوار گوادولوپ مجدداً فعال شده و پنهان زیر عمامه خمینی وارد ایران شدند. اگر واکسن کرونا دست دانشمندان علم پزشکی را می‌بوسد؛ ساختن واکسن کارساز برای ریشه کردن ویروس زیر این عمامه‌ها دیگر قطعا دست مردم ایران است.

جمهوری اسلامی قربانی خواهد کرد. اما جنگ اصلی هنوز در راه است. جنگ با ویروس‌هایی که زیر عمامه‌ها فعالند. ویروس‌هایی که ۱۴۰۰ سال پیش، جبرئیل وارد غار حرا کرد و در جمجمه محمد کاشت و ۴۰ سال پیش در

از فیسبوک محسن ابراهیمی

ویروس‌ها زیر عمامه‌ها!

کرونا حتماً سپری خواهد شد اگر چه به قیمت جانهای عزیز دیگری که در ایران به کمک

حکومت اسلامی ضد زن نابود باید گردد

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران

بمناسبت اول ماه مه

با پرچم سوسیالیسم به جنگ نظام بیمار و نکبت زده سرمایه داری برویم!

پیش بسوی تشکل های
سراسری کارگریروز جهانی کارگر،
روز نمایش قدرت ما است!

اول مه روز اعلام کیفرخواست طبقه کارگر علیه کل نظام سرمایه داری است و امسال این کیفرخواست طبقاتی بیش از هر زمان دیگر صحت و حقانیت خود را در برابر چشم همگان قرار میدهد.

اول مه امسال کیفرخواست طبقاتی کارگران علیه سرمایه داری بیش از هر زمان دیگری صدای اعتراض توده های عظیم مردمی را نمایندگی میکند که شیوع قابل اجتناب یک بیماری جان و هستی شان را در معرض نابودی قرار داده است.

در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر میرویم که یک بیماری کشنده همه دنیا را فرا گرفته و کار و زندگی اجتماعی را متوقف کرده است. بیماری کرونا ناشی از ویروس است ولی بحران کرونا زاده نظام سرمایه داری است. این بحران نظامی است که پزشکی و خدمات درمانی را به کار و کسب بدل کرده و جان و سلامت میلیونها انسان را بپای سود آوری و ثروت اندوزی یک اقلیت مفتخور سرمایه دار قربانی کرده است. بحران نظامی است که از هر مسئولیتی در قبال سلامت شهروندان شانه خالی کرده است و همه چیز را بدست بازار آزاد و قانون جنگل رقابت و سوداندوزی سپرده است. یک درصدیهای حاکم و دولتهایشان در ایجاد این بحران مستقیماً مسئول هستند.

دولتهای سرمایه داری که برای جلوگیری از این پاندمی قابل پیش بینی و پیشگیری هیچ اقدامی نکردند امروز راهی بجز به تعطیل کشیدن کل جامعه و خانه نشین کردن افراد ندارند. اما این "راه حل" نیز از کارگران وتوده مردمی که مجبورند برای گذران زندگیشان هر روز کار کنند دردی دوا نمیکند. ویروس کرونا کارگر و سرمایه دار نمی شناسد ولی بیشترین قربانیانش کارگران و محرومین جامعه هستند. در

یکبار دیگر بار بحران را بر سر کارگران خراب کنند.

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی این ناآرامی ها و تلاطمهای اجتماعی ابعاد وسیع و شدیدی خواهد داشت. بحران کرونا در ایران در دل اعتراضات و خیزشهای وسیع توده ای و رسوائی و استیصال حکومت دروغ و جنایت در مقابل جنبش وسیع سرنگونی طلبانه توده مردم شکل گرفت و توجه و تمرکز جامعه را به مقابله با این بیماری کشنده سوق داد. اما مقابله با کرونا از مبارزه با حکومتی که خود مسئول و عامل مستقیم شیوع این بیماری بوده است جدا نیست. نارضائی توده ای، و اعتراض و تحرک جامعه علیه وضع موجود، امروز در شکل فعالیت و تلاش خستگی ناپذیر پزشکان و پرستاران و پرسنل خدمات درمانی، فعالیت نهادهای خودیاری مردم، کمیته های محلی کمک رسانی، اعتراض و فرار سربازان از پادگانها تجلی پیدا میکند. چهره ها و فعالین سیاسی و مدنی و نهادهای جنبشهای اعتراضی نیز با انتشار بیانیه ها و فراخوانها و

طومارها و نامه های سرگشاده صدای اعتراض خود علیه جمهوری اسلامی را بلند کرده اند.

در دل این حرکت کارگران، جنبش کارگری و نهادها و چهره های این جنبش، در مقابله با ویروس کرونا و حکومت همدست آن نقش مهمی ایفا میکنند. امروز کارگران بیمارستانها و پرستاران، در کنار پزشکان، در صف اول مقابله با کرونا قرار دارند و چهره های جنبش کارگری در زندانها به صدا و نمایندگی کل زندانیان در اعتراض به وضعیت وخیم و غیر قابل تحمل در زندانها تبدیل شده اند. اول مه امسال فرصتی است تا طبقه کارگر در ادامه و در راس این حرکت و بعنوان نماینده کل جامعه عرض اندام کند و چهره ها و فعالین و نهادهای جنبش کارگری با بیانیه ها و کیفرخواستها و طرح خواستههای اساسی خود در اول مه نوید دهنده یک تحول انسانی و اساسی در جامعه باشند. روز جهانی کارگر روز قدرتمندی طبقه کارگر علیه نظام ضد انسانی، بیمار و نکبت زده سرمایه داری و حکومت فاسد و جنایتکار

حافظ آن در ایران است. چالشهای عظیم تری در دوران پسا کرونا در راه است و در این چالشها نیز طبقه کارگر میتواند و باید نماینده و صدای اعتراض توده مردم باشد. باید خود را برای طوفانهائی که در راه است آماده کرد. باید در دل جدال و کشمکش که در ایران و در همه جا میان یک درصد سرمایه دار و نود و نه درصدیهای گرفتار فقر و بیماری و بیکاری در خواهد گرفت، پرچم سوسیالیسم را برافراشت. در روز جهانی کارگر یکصدا و متحد اعلام کنیم تنها سوسیالیسم، نظامی که نه بر مبنای سوداندوزی یک اقلیت ناچیز بلکه بر اساس پاسخگوئی به نیاز همه انسانها سازمان یافته است، میتواند بشریت را از شر نظام نکبت زده سرمایه داری رها سازد. سوسیالیسم یا بربریت، راه سومی وجود ندارد.*

زنده باد روز جهانی کارگر!
زنده باد سوسیالیسم!

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ فروردین ۱۳۹۹
۱۲ آوریل ۲۰۲۰